

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶



**اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان
به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر
کارگران و زحمتکشان ایران!
روز رزمجویانه کارگران سراسر جهان را به شما
شاد باش می گوئیم**

روز اول ماه مه برابر با یازدهم اردیبهشت، روز
نمایش همبستگی مبارزات کارگران سراسر جهان است.
128 سال از شکل گیری روز جهانی کارگر می گذرد.



در نشست هم اندیشی فعالان زن

**رونمایی از مطالبات زنان از
رئیس جمهور آینده و شورای شهر
سهم ۳۰ درصدی می خواهیم**

دوباره بعد از سالها دور هم جمع شده بودند؛ با
صورت های مصمم و خنده هایی کم رنگ که ردش در
چشمانشان پیدا بود. آمده بودند تا اولین نشست
رسمی شان، چراغی باشد برای ادامه راهی که سالها
از ادامه اش باز مانده بودند. کنشگران حوزه زنان به
بهانه انتخابات شوراها و ریاست جمهوری دوباره
دور هم جمع شده اند؛ جلساتی که شروعش از دو ماه
پیش کلید خورد و صبح روز گذشته منجر شد به
ارائه بیانیه هایی با هدف طرح مطالبات جنبش زنان
از رئیس جمهور آینده و شورای شهری که قرار است
صندلی های خیابان بهشت را تسخیر کند.

ادامه درص ۸

در چنین روزی از کارگران همه کشورها دعوت می شود تا یک صدا و هم زمان خواسته
های صنفی و سیاسی خود را به شکل های گوناگون برپایی اعتصابات، تظاهرات و
راهپیمایی مطالبه کنند.

شکل گیری این روز به گرمی داشت خاطره جان باختگان کارگران نساجی شهرشیکاگو
در آمریکا در روز اول ماه مه 1886 میلادی باز می گردد. در چنین روزی اعتصاب و
راهپیمایی کارگران نساجی شیکاگو در اعتراض به شرایط کار، و درخواست کاهش ساعات
کار روزانه از 10 به هشت ساعت، از طرف کارفرمایان زیر پا گذاشته شد و پلیس به حمایت
از سرمایه داران تظاهرات را به خونین ترین شکلی سرکوب کرد.

ادامه درص ۲

سالگرد پیروزی بر فاشیسم

هرسال (۹ مه) خلق های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
سابق و همه نیروهای صلحدوست و مترقی جهان سالگرد
تاریخ ساز پیروزی مردم قهرمان اتحاد شوروی و همه
نیروهای آزادیخواه و مترقی جهان بر فاشیسم هیتلری را
جشن می گیرند.

علت وقوع جنگ دوم جهانی جدا از هر جنگ امپریالیستی
دیگر، که تشدید تضاد منافع میان کشورهای امپریالیستی و
مبارزه آنها برای دستیابی به بازارهای جدید و منابع مواد خام، برای سرمایه گذاری و
چپاولگری می باشد.

ادامه درص ۳



به یاد خسرو روزبه - قهرمان ملی ایران

**جنبش دموکراتیک خلق های کردستان و آذربایجان، نهضتی
میهنی و مترقی و موجب قوام و دوام بقای آزادی و استقلال
ملی.**

«از دفاعیات خسرو روزبه در دادگاه نظامی شاه»

در سپیده دم ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ قلب پرشور و سرشار از آرزوی برتری و
قهرمان ملی ایران آماج گلوله های دژخیمان، رژیم بر آمده از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد
قرار گرفت و از تپش باز ایستاد و بدین سان نام این رزم آور دلیر زحمتکشان ایران به تاریخ
پر حماسه و غرور آفرین پیکار خلق های ایران بر ضد ستم و بیدادگری پیوست!

ادامه درص ۵

زینب یاشا در شعر و بیان ص ۱۲

موضوع اقوام؛ حلقه گمشده ص ۱۳

هنر ادبیات بدون بازتاب ص ۱۵

در پی اعتراضات شدید کارگران ص ۲۳

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

می گذرد. طی این سالها و با توجه به فضای سیاسی حاکم بر کشور، برگزاری مراسم این روز با فراز و نشیب های زیادی روبرو بوده است. اما کارگران ایران حتی در شرایط خفقان و استبداد نیز به شکل های متفاوت این روز را ارج نهاده و هم صدا با کارگران جهان آن را گرامی داشته اند.

امسال، روز اول ماه مه در شرایطی فرا می رسد که میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان میهنمان با انبوهی از مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبرو هستند. چنین وضعیت اسفناکی نتیجه سال ها بی عدالتی و بی توجهی دولت های سازندگی، اصلاح طلب و اصول گرای رژیم ولایت فقیهی حاکم به زندگی و منافع کارگران و زحمتکشان میهنمان است. صرف نظر از اینکه کدام یک از جناح های سه گانه حاکمیت ولایت فقیه طی 30 سال اخیر اداره دولت را در اختیار داشته اند، همه آنها طبق توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول رفتار کرده اند و با سر لوحه قراردادن سیاستهای نئولیبرالیستی سرمایه داری جهانی، فقط در پی تامین منافع بورژوازی تجاری- نظامی- بوروکراتیک داخلی و سرمایه های امپریالیستی خارجی بوده اند. از این نظر، کم و زیاد، همه این جناح ها مقصردند. نتیجه این سیاستهای اقتصادی ضد کارگری و بی توجهی به تامین منافع زحمتکشان میهنمان همین است که امروزه آنان را در چنان تنگناهایی قرار داده است که نه تنها از برآوردن نیاز های معیشتی خود ناتوان گردیده اند بلکه زندگی خود و فرزندان و آیندگان خویش را نیز در خطر نابودی می بینند.

کارگران و انتخابات اردیبهشت 1396

تقارن جشن اول ماه مه امسال با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فرصت مناسبی است تا سیاست های ضد کارگری و ضد مردمی حاکمیت به چالش کشیده شود.

کارگران و دیگر زحمتکشان میهنمان بزرگترین طبقات اجتماعی و اکثریت مطلق جمعیت را تشکیل می دهند، ولی بر خلاف اینکه ثروت و خدمات جامعه حاصل کار آنان است، بر اثر سیاستهای اقتصادی دولت های حاکم روز به روز فقیر تر گردیده و زندگی خانوادهایشان به سوی نابودی سوق داده می شود. اعتراضات جمعی اقشار گوناگون کارگران و زحمتکشان و نیز گروه ها و افراد وابسته به محافل کارگری

با اینکه این جنبش به خون کشیده شد، اما کارگران دست از مبارزه نکشیدند و پیکار خونین کارگران شیکاگو در سراسر جهان بازتاب یافت.

از سال 1889 با گرامی داشت خاطره پیکار کارگران نساجی شیکاگو، روز اول ماه مه (یازدهم ماه اردیبهشت) روز جهانی کارگر نامیده شد. پس از آن، به شکل همزمان در چنین روزی اتحادیه های کارگری، احزاب کمونیست و دیگر حزب های مدافع منافع کارگران جهان، با طرح خواسته های کارگران و زحمتکشان، تظاهرات و راهپیمایی های با شکوهی برگزار می کنند.

طی صد سال پس از آن، این مبارزات به دستاوردهای بزرگی منجر شد. در بخشی از جهان طبقه کارگر حاکمیت را بدست آورد. در اکثر کشورهای جهان، سرمایه داری مجبور به عقب نشینی و پذیرش برخی از خواست های کارگران نظیر 8 ساعت کار روزانه و 40 ساعت کار هفتگی، تعطیل هفتگی، مرخصی سالانه، تشکلهای سندیکائی، حق اعتصاب، بیمه ایام بیکاری و گردید.

با فروپاشی اتحاد شوروی و بخش دیگری از کشورهای سوسیالیستی، نظام سرمایه داری از فرصت استفاده کرد و یورش همه جانبه ای به دستاوردهای کارگران آغاز گردید. سیاست های نوین سرمایه داری، جهان را با بحران های عمیقی روبرو کرد. نتیجه چنین سیاستی جهان را بیش از پیش به ورطه ی فقر دائمی، بیکاری، گرسنگی، جنگ و آوارگی و تخریب منابع زیست کشاند. تضاد طبقاتی شدید تر و فاصله طبقاتی عمیق تر شد و بخش بزرگی از اقشار بینابینی متضرر از وضع موجود را در تقابل با نظام حاکم به صفوف کارگران و زحمتکشان نزدیکتر کرد.

در چنین شرایطی برگزاری هرچه باشکوهتر روز اول ماه مه، به عنوان روز تجلی همبستگی و اتحاد کارگران و زحمتکشان جهان بر علیه سیاست های ویرانگر جهان سرمایه داری از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اول ماه مه در میهنمان ایران

در ایران نیز همچون دیگر کشور ها، روز اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر گرامی داشته می شود. نزدیک به یکصد سال از نخستین تظاهرات جشن اول ماه مه در کشور ما

- کار کودکان زیر ۱۶ سال؛
 - تبعیضهای ملی و مذهبی؛
 - خصوصی سازی کارخانجات و موسسات تولیدی که نتیجه ای جز اخراج کارگران در بر نداشته است؛
 - محرومیت از حق ایجاد تشکل های مستقل و حقیقی کارگری؛
 - افزایش سوانح و حوادث کار و نبود مقررات ایمنی و بهداشت در محیط کار؛
 و.....

- و درخواست آزادی کارگرانی که به خاطر دفاع از این حقوق و خواسته های کارگری و یا به «اتهام» شرکت در اعتصاب و تظاهرات در زندان اند و عده زیادی در دادگاه ها به زندان و تحمل شلاق و اخراج محکوم شده اند.
 بدون تردید کارگران و زحمتکشان خواستار توسعه همه جانبه و پایدار کشورمان هستند و ضرورت دارد تا موانع از پیش پای آنها بر داشته شود. این مهم امکان پذیر نیست مگر با اتحاد و هم صدایی همه طبقات و اقشار میهن دوست کشور، سازمان ها و احزاب مترقی، روشنفکران، آزادیخواهان، و خلق های ساکن ایران.
 - فرخنده باد روز اول ماه مه روز همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

اردیبهشت ۱۳۹۶

اعلامیه کمیته مرکزی...

علیه بی عدالتی عریان سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حاکمیت نیز به شدیدترین شکل سرکوب می شود و بسیاری از معترضین در زندانهای رژیم به سر می برند.
 در چنین شرایطی، می توان گردهمایی های نمایش مهندسی انتخابات برای تعیین رئیس جمهوری اسلامی را که اکنون توسط جناحهای متفاوت حاکمیت در جریان است، با طرح درخواستهای کارگران و زحمتکشان به چالش کشید و آنها را به میدانی برای مبارزه در راه احقاق حقوق کارگری و مردمی تبدیل کرد.

مواردی که در پی می آید از جمله موارد نقض آشکار حقوق کارگران و زحمتکشان کشور است که با هیچ یک از مقوله نامه های بین المللی که جمهوری اسلامی متعهد به اجرای آنهاست، همخوانی ندارد:

- پایین نگه داشتن میزان حداقل حقوق و دستمزدهای کارگری، کمتر از یک چهارم خط فقر؛
 - کاهش امنیت شغلی و آسان تر کردن اخراج کارگران توسط کارفرمایان، به ویژه در اصلاحیه های اخیر قانون کار؛
 - تحمیل قراردادهای موقت هرچه کوتاه تر، حتی ۶ روزه، سفید امضا، شفاهی، دوگانه، اخذ چک و سفته؛
 - تبعیض و فشار مضاعف بر کارگران زن؛

سالگرد پیروزی بر فاشیسم...

رقبای بریتانیایی و فرانسوی خود پیشی گرفته بودند و می کوشیدند تا قدرت نظامی خود را احیاء کنند، در وجود فاشیسم هیتلری دستیار مناسبی برای پیشبرد هدفهای تلافی جویانه و گسترش طلبانه خود یافتند. در ۲۷ ژانویه ۱۹۳۳، هیتلر برنامه خود را در شورایی مرکب از ۳۰۰ تن از نمایندگان سرمایه داری انحصاری، افسران ارتش و مالکان یونکر مطرح ساخت و از پشتیبانی آنها برخوردار شد. وی پس از تقریباً یک سال، در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ به حکومت رسید و بدینسان یکی از تیرهترین برگهای تاریخ آلمان گشوده شد.

نازیها نخست آلمان را به کشور چوبه های دار، اردوگاههای

این بار دنیای سرمایه داری با پیدایش و تحکیم کشور شوراها (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) پایان قدرت چپاولگری خود را می دید. و می خواستند از این طریق به حیات این نیروی قدرتمند و دشمن آشتی ناپذیرشان خاتمه دهند.

در پی تجاوز کشورگشایانه میلیتاریستهای ژاپن در سال ۱۹۳۱ به چین و اشغال منچوری و خودداری امپریالیستهای آمریکا و بریتانیا از رویارویی با آنها، به امید تضعیف اتحاد شوروی، در آغاز سالهای ۳۰ در مرکز اروپا کانون دیگر جنگ جهانی پدید آمد. امپریالیستهای آلمان که هنوز خاطره شکست خود را در جنگ اول جهانی از یاد نبرده و در عین حال در اواخر دهه سوم سده کنونی از لحاظ رشد صنعتی بر

سکونت و صنعتی، زیان بزرگی به اقتصاد اتحاد شوروی وارد آوردند، توانستند لنینگراد را در محاصره بگیرند، خود را به پای مسکو و سپس ولگا برسانند و چشم به فتح قفقاز بدوزند.

اما حتا در همین مرحله بس دشوار، مردم، به برکت نقش رهبری کننده و بسیجنده حزب کمونیست اتحاد شوروی، نیرو و تحرک بی‌همتای اقتصاد برنامه‌وار سوسیالیستی، میهن‌دوستی آفریننده، و همبستگی جانبازانه و اراده‌خلل‌ناپذیر و قهرمانی توده‌ای، ضربات مهلکی به دشمن وارد آوردند و افسانه «شکست‌ناپذیری» ارتش هیتلری را باطل ساختند.

دشمن که به قصد محو سریع اتحاد شوروی آمده بود، نخست در مسکو با شکستی روبرو شد، که چرخش قطعی در جریان جنگ را آغاز نهاد. این چرخش سپس در نبرد حماسه‌آفرین استالینگراد، که در آن دشمن ۱,۵ میلیون نفر تلفات داد، تکمیل شد.

در مرحله دوم جنگ کبیر میهنی (نوامبر ۱۹۴۲ تا دسامبر ۱۹۴۳)، ارتش فاشیسم هیتلری به حالت دفاعی درآمد و ارتش شوروی ابتکار استراتژیک جنگ را به دست گرفت و تا پایان نیز آن را در دست خود نگاه داشت.

سال ۱۹۴۴، چهارمین سال جنگ کبیر میهنی، سال پیروزی قاطع ارتش شوروی بود. طی ده ضربه جنگی، که هریک از آن‌ها باب جدیدی از علم و فن نظامی و فرماندهی را بازگشود، دشمن از همه سرزمین اتحاد شوروی رانده شد. فزون براین، در جریان همین ضربات بود که رومانی سلطنتی، بلغارستان پادشاهی و مجارستان زیر فرمانروایی هورتیست‌ها، از پای درآمدند و از صف متحدین آلمان هیتلری خارج شدند. بدین ترتیب، مردم رومانی، بلغارستان، مجارستان و همچنین فنلاند آزادی خود را باز یافتند و بخش‌های مهمی از لهستان، یوگسلاوی، چکسلواکی و نروژ نیز از نیروهای پلید فاشیسم پاک گردید.

سال ۱۹۴۵، سال پایان جنگ کبیر میهنی و جنگ دوم جهانی است. در این سال خجسته و پیروزی‌آور بود که ارتش شوروی، پس از پیروزی‌های دهگانه سال پیشین، عملیات

شکنجه و کشتار عناصر انقلابی و آزادی‌خواه بدل کردند و سپس به کمک ارتش درندمخوی خود به لشکرکشی، تجاوز و تسخیر دیگر کشورها مبادرت ورزیدند. آن‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۱، در ۱۴ کشور اروپایی چه به عنوان فاتح و چه به مثابه متحد جنگی مستقر شدند. در تمام این مدت، دول آمریکا و انگلیس و فرانسه نه تنها گامی مؤثر برای رویارویی با فاشیسم برنداشتند، بلکه برعکس از راه سیاست به اصطلاح تسکین خود، هر چه بیش‌تر او را به تجاوز در جهت شرق، یعنی علیه نخستین کشور سوسیالیستی تشویق می‌کردند.

بدین ترتیب جنگ کبیر میهنی مردم شوروی در سحرگاه ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ (اول تیر ۱۳۲۰) با حمله غافلگیرانه ارتش فاشیسم هیتلری به اتحاد شوروی آغاز شد. در لحظه آغاز جنگ، آلمان هیتلری از امکانات اقتصادی و نظامی تقریباً سراسر قاره اروپا، با جمعیتی برابر با ۲۹۰ میلیون نفر و ظرفیت تولید فولاد به میزان ۳۱,۸ میلیون تن در سال برخوردار بود. در همان حال سکنه اتحاد شوروی ۱۷۰,۶ میلیون نفر و تولید فولاد آن، که طی برنامه‌های پنج‌ساله و با اجرای سیاست صنعتی شدن افزایش یافته بود، تنها به ۲۲,۴ میلیون تن بالغ می‌شد.

آلمانی‌ها نیروی نظامی مرکب از ۴,۲۳۴ میلیون نفر در اختیار داشتند. این نیروها، که در ۲۱۴ لشکر متشکل شده بودند، از جمله مجهز به ۵۶۴۰ تانک و ۱۰ هزار هواپیما بودند. از این نیروها ۵,۵ میلیون نفر در ۲۰۰ لشکر با ۴۳۰۰ تانک، ۵۰۰ هواپیما و ۴۸ هزار توپ و مین‌انداز در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ در مرزهای اتحاد شوروی تمرکز داشت. فاشیست‌ها این خیال را در سر می‌پروراندند، که طبق نقشه جنگ غافلگیرانه و برق‌آسایی، به نام «نقشه بارباروس»، اتحاد شوروی را در ظرف یک‌ماه و نیم تا دو ماه فتح کنند!

فاشیست‌های آلمانی در مراحل اولیه جنگ، در پرتو برتری‌های اقتصادی و نظامی و حمله غافلگیرانه خود و دیگر شرایط مساعد، توانستند دشواری‌های طاقت‌فرسای را دامنگیر مردم، دولت و ارتش شوروی بکنند و تا مسافت عمیقی در خاک شوروی پیش بروند. آن‌ها با بمباران وحشیانه مراکز

سالگرد پیروزی بر فاشیسم...

پیروزی بر فاشیسم دوران جدیدی را در تاریخ بشریت آغاز کرد: جامعه کشورهای سوسیالیستی تشکیل شد، سیستم مستعمراتی امپریالیسم متلاشی شد، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، و جنبش همه خلق‌های جهان به خاطر صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی رشد بی‌سابقه‌ای یافت.

بشریت مترقی در هفتادمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم و پایان جنگ جهانی دوم- و کمی بیش از ۲ دهه پس از فروپاشی جامعه کشورهای سوسیالیستی در اروپا- شاهد تشدید تضادها و رقابت‌ها میان کشورهای امپریالیستی و تهاجم آن‌ها برای دستیابی به بازارها و منابع مواد خام و تصرف مناطق نفوذ برای سرمایه‌گذاری چپاولگر است.

در شرایط جدید جهانی، امریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تهاجم گسترده‌ای را برای تغییر جغرافیای سیاسی جهان و استقرار روابط استعماری و نواستعماری سابق در کشورهای جهان سوم در دست اجرا دارند. این تهاجم از یک طرف، موجب تقویت نیروهای فاشیستی و راست‌گرا در اروپا، به ویژه در شرق اروپا، گسترش جنگ، فقر، و بی‌عدالتی که از ذات امپریالیسم برمی‌خیزد شده است؛ و از طرف دیگر در کنار طرح خواست چند جانبه‌گرایی در عرصه بین‌المللی از طرف دولت‌ها، صدها میلیون انسان را به میدان مبارزه با همه جوانب نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این تهاجم امپریالیستی کشیده است.

تعرضی گسترده‌ای را در بسیاری از جبهه‌ها پیش گرفت. در این مرحله، لهستان آزادی کامل یافت و ارتش شوروی در جبهه اودر- تاپسه، در خاک آلمان متمرکز شد، مجارستان و یوگسلاوی پاکسازی و وین فتح شد و در دوم ماه مه، برلین پایتخت آلمان فاشیستی سقوط کرد.

پس از سقوط برلین، مقاومت هیتلری‌ها در نقاط دیگر نیز سرکوب گردید و بالاخره در نیمه‌شب هشتم ماه مه، تسلیم بلاقید و شرط آلمان هیتلری در همان شهر به امضاء رسید. بدینسان روز نهم ماه مه، به عنوان روز پیروزی جنگ کبیر میهنی مردم شوروی و همه خلق‌های جهان بر دیو پلیید فاشیسم برای همیشه در تاریخ ثبت گردید.

در جنگ کبیر میهنی، مردم قهرمان شوروی متحمل زیان‌های عظیم نیروی انسانی و مادی گشتند. در این جنگ تحمیل شده و خانمان‌سوز، ۲۷ میلیون شهروند شوروی در اسارتگاه‌ها، بازداشتگاه‌ها و در میدان نبرد به شهادت رسیدند، ۱۷۱۰ شهر بزرگ و کوچک و ۷۰۰ هزار روستا در اتحاد شوروی ویران گردید و در نتیجه ۲۵ میلیون نفر بی‌خانمان شدند. دژخیمان هیتلری ۳۲ هزار مؤسسه صنعتی و ۶۵۰۰ کیلومتر راه‌آهن را نابود کردند و به غارت ۶۵ هزار کالخور، ۱۸۷۶ ساوخوز و ۲۸۹۰ ایستگاه ماشین و تراکتور دست زدند. خسارات مالی اتحاد شوروی، به قیمت‌های قبل از جنگ، به بیش از ۶۷۹ میلیارد روبل بالغ گردید.

به یاد خسرو روزبه...

سازد. دفاع قهرمانانه او در بیدادگاه نظامی و در برابر جوخه اعدام در پرورش والاترین صفات قهرمانی و جانبازی و در جهت برانگیختن بهترین شورهای انسان دوستی و میهن پرستی نقش غیر قابل انکار داشته، دارد و خواهد داشت.

خسرو روزبه فرزند ضیاء لشکر در سال ۱۲۹۴ در ملایر دیده به جهان گشود دوران دبستان و اول دبیرستان را در ملایر و دوره دوم را در همدان گذراند. شرایط دشوار تحصیلی اش او را ناگزیر ساخت که دوره تحصیل را هر چه کوتاهتر کند و به این جهت در حالی که همواره شاگرد اول

خسرو روزبه شخصیتی پر جاذبه، با تأثیری ژرف و ماندگار در تاریخ نبرد رهایی بخش مردم میهن ماست. علاوه بر آنکه یک نسل کامل انقلابیون و مبارزان آزادی راه و روش او را پیشه خود ساختند امروز نیز هزاران رزمنده ای که پای به میدان دشوار مبارزه برای عدالت و انسانیت می گذارند. او را آموزگار و راهبر و نمونه اصیل عالی مبارزه آرمانگرا می دانند و این تصادفی نیست. زندگی و پیکار خسرو روزبه و ابعاد گوناگون فعالیت پر ثمر سیاسی - علمی و اجتماعی او بهترین سر مشق برای هر انسان شرافتمندیست که زندگی خود را وقف سعادت جامعه و بهروزی انسانهای زحمتکش می

به یاد خسرو روزبه...

کلاس بود دوره شش ساله دبیرستان را طی چهار سال با معدل ۱۸/۵۵ گذراند و به دریافت دیپلم نائل آمد. استعداد او در ریاضیات شگرف بود. در کلاس پنجم متوسطه رساله ای در زمینه حل معادلات درجه چهارم و درجات عالی از طریق تقسیم تسلسل نوشت و به کمک آن مسائل شیخ بها را که بر معادلات درجه عالی منتهی می گردد حل کرد. بعد از پایان تحصیلات متوسطه به علت شرایط اقتصادی نتوانست در رشته ریاضی تحصیل کند و ناگزیر وارد دانشکده افسری شد. به علت برجستگی و نمونه بودنش خیلی زود برای آموزش دانشجویان فراخوانده شد. او چندین دوره افسر تربیت کرد. بیش از دویست کنفرانس علمی و نظامی را در دانشکده های افسری، فنی، کشاورزی و دامپزشکی را برگزار کرد که چاشنی این کنفرانس ها بحث درباره مسائل اجتماعی بود. فرمانده هانش او را دکتر خطاب می کردند و در وجود او شخصیت برجسته ای برای آینده ارتش ایران می دیدند.

حسن شهرت روزبه از چهارچوب دانشکده افسری فراتر رفت و در سایر واحدهای ارتش اشاعه یافت. او نه تنها مربی دانشجویان بود بلکه در مقام مسئول انتظامات دانشکده از مراقبت در تقسیم غذای روزانه سربازان گرفته تا مبارزه با فساد، قمار، تریاک، دزدی و رشوه خواری را وظیفه خود می دانست. این مبارزه واکنش فرمانده هان فاسد ارتش را علیه او برانگیخت. این واکنش ها به صورت توقیف های چند ساعته تا تبعید به اهواز بود علیرغم این فشارها عزم روزبه در مبارزه هر روز راسخ تر می گردید (هر وقت با فساد مواجه می شدم، اراده ام برای مبارزه با آن محکمتر می شد).

((از دفاعیات روزبه اریبهشت ۱۳۳۷))

تبعید روزبه به اهواز او را تسلیم نکرد چون به وجودش احتیاج داشتند. پس از چندی به دانشکده افسری انتقال یافت و تا مهرماه ۱۳۲۴ در مقام استادی به تعلیم دانشجویان پرداخت. مبارزه روزبه در درون دانشگاه افسری ادامه داشت ولی به تدریج دریافته بود که در میان دریای فساد و ستم نمی توان جزیره ای بهشت ساخت. او از بنیان گذاران ((تشکیلات افسران آزادی خواه ایران بود)) که بسیاری از اعضای آن همکاران و شاگردانش بودند.

در سال ۱۳۲۴ پس از سرکوب قیام افسران خراسان و تهران در گنبد کاوس، مخالفان او در ارتش فرصت را برای تسویه حساب با او و همفکرانش مناسب دانستند و با دستگیری عده ای از افسران مبارز به سراغش رفتند اما روزبه در مرخصی یک ماهه بود و نتوانستند دستگیرش کنند. دشمن در کمین بازگشت او به خدمت بود اما روزبه به جای بازگشت به خدمت مخفی شد.

در نخستین دوران از زندگی مخفی اش سلسله مقالاتی به نام مستعار ((ستخر)) (مرکب از حروف اول ((سروان توپخانه خسرو روزبه)) (در افشای مفاصد سران ارتش و دعوت افسران و درجه داران به مبارزه انتشار داد. کتاب ((اطاعت کورکورانه)) را نیز در همین دوران منتشر کرد. انتشار این کتاب در کشور بازتاب وسیعی یافت و افکار عمومی را متوجه وجود افسری پیش تاز در درون ارتش نمود که پذیرای سنت حاکم یعنی اطاعت کورکورانه نیست.

"همانطور که به فرمان احساسات و به حکم غیرت و مردانگی در مورد دستورات و تقاضای خلاف شرافت، فرمول اطاعت کورکورانه را زیر پا می گذاریم، باید به امر وجدان از دستورات و اوامری که به ضرر اکثریت فلک زدهی این مملکت و به نفع هیئت حاکمه است سرپیچی نمود و لوله های توپ و مسلسل را به طرف آنها و قصرهای با شکوهشان باز برگرداند".

(صفحه ۲۹ کتاب)

پس از سرکوب جنبش دموکراتیک خلق های کردستان و آذربایجان و تیرباران عده ای از افسران میهن دوست، روزبه برای جمع آوری نیروها، بالابردن و تجدید حیات سازمان، با پشتکار قابل تحسینی دست به کار شد. در روز ۱۷ فروردین سال ۱۳۲۶ روزبه بازداشت شد قرار بود پس از انتقال به آذربایجان در دادگاه زمان جنگ محاکمه و تیرباران شود. اما روزبه به آنان فرصت نداد و در روز ۱۷ اردیبهشت همان سال در روز ملاقات عمومی زندانیان به کمک تنی چند از همزمانش از زندان گریخت. دادگاه حکم غیابی صادر کرد و روزبه را به ۱۵ ماه زندان و اخراج از ارتش محکوم نمود.

به یاد خسرو روزبه...

سیروس تهران کشف و به محاصره ماموران درآمد و با وجود تیری که به پایش خورده بود مردم او را به دلیل برخورد و گریزهای شگفت انگیزش با ماموران (عجوبه زمان) می خواندند. روزبه را ابتدا به بیمارستان و سپس به شکنجه گاه ((قزل قلعه)) بردند.

رفیق روزبه ۹ ماه تمام زیر شکنجه های روحی و جسمی بود. در این ۹ ماه چون ((پولاد بی خلل)) مقاومت کرد. دژخیمان به او حتی اجازه ملاقات هم نمی دادند. روزبه اعتصاب غذا کرد. او به ممنوعیت حق ملاقات اعتراض داشت. در همان دفتر زندان به محاکمه او نشستند. او با سری افراشته و با غروری ستودنی از آرمانهایش دفاع کرد.

از اعتقادات عمیق خود به سوسیالیسم علمی دفاع کرد. ((...)) اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستم با تمام عقل و شعور منطق و درایت خود برتری اصول آن را به سایر رژیم ها احساس کردم)). او از حقوق پاره پاره های اجتماع با شوری تمام دفاع کرد و مبارزات درخشان مردم ایران و به ویژه جنبش دموکراتیک خلق های کردستان و آذربایجان را ستود و آن را نهضتی میهنی و مترقی و موجب قوام و دوام بقای آزادی و استقلال ملی خواند. حکومت مشروطه ایران را شیری بی یال و دم نامید و رژیم سلطنتی و به ویژه سلطنت موروثی را مضحک دانست. هیئت حاکمه را بر صندلی اتهام نشانده که خود با تبدیل حکومت مشروطه سلطنتی به استبداد فردی، با تبعیض میان زن و مرد، با تشکیل محاکم نظامی با پایمال کردن حقوق احزاب و مطبوعات و لغو مصونیت های اجتماعی و حقوق افراد مملکت، قانون اساسی را زیر پا نهاده است. حکم اعدام او صادر شد همان گونه که خودش پیش بینی کرده بود. شاه که از سالها پیش در آرزوی ((تقاضای عفو)) سر سختترین مخالف خود می سوخت. برای آخرین بار آزموده را به سراغ او فرستاد: زندگی به بهای خیانت!! روزبه خندید و آزموده را دست خالی روانه کرد. او مرگ را بر چنان زندگی ننگین ترجیح می داد. شاه تازه فهمید که روزبه را نمی توان خرید در خواست رسیدگی فرجامی او را رد کرد و حکم اعدام او را امضا نمود. او را به زندان حشمتیه انتقال دادند. دشمن از ترس با هزاران چشم و یک جنگل سرنیزه مراقب

دومین دوران زندگی مخفی روزبه آغاز شد. در این دوران تمام نیرویش را صرف گسترش تشکیلات افسران آزادی خواه ایران و تالیف و ترجمه کتاب نمود. در فروردین سال ۱۳۲۷ مجدداً روزبه دستگیر و با آنکه از ارتش اخراج شده بود به دادگاه نظامی سپرده شد. رژیم این بار قصد نابودی اش را داشت دادستان نظامی برای او تقاضای اعدام نمود. ولی این حکم نره ای از جسارت و تهور ذاتی روزبه نکاست. مغرور و مطمئن، در برابر دادگاه از اصول و عقاید خود از علاقه به مردم و میهنش دفاع کرد. او برای بار دوم از زندان فراری داده شد و دوباره به زندگی و فعالیت مخفی ادامه داد. وقوع کودتای ۲۸ مرداد و موج جدید ترور و سرکوب روزبه را بار دیگر در معرض خطر شدید قرار داد. به دنبال یورش ماموران فرمانداری نظامی به یکی از جلسات حزبی به همراه دیگران دستگیر شد. روزبه که در بازپرسی های اولیه خود را مهندس معرفی کرده بود قبل از آنکه شناخته شود به دست افسران هم‌رزمش از چنگ دشمن فراری داده شد. او در سالهای خفقان و حکومت نظامی با تاسف تمام اخبار دردناک دستگیری و شکنجه دوستان و هم‌رزم خودش را دریافت می کرد و برای حفظ و جا به جا کردن آنهایی که هنوز دستگیر نشده بودند در تقیای دائم بود. او پیوسته در تلاش بود تا یک افسر مخفی را جا به جا کند، وسیله خرج دیگری را فراهم سازد، از خانواده بی سرپرست این یکی خبر گیرد و از سرنوشت آن زندانی مطلع شود. روزبه به چیزی که نمی اندیشید حفظ جان خود بود از پایداری هم‌زمانش همچون وکیلی ها، محقق زاده ها و مختاری ها چنان شاد و سرمست می شد که اندوه ضربات دشمن را از یاد می برد. او در مدت زندگی سیاسی اش بیش از ۳۶ جلد کتاب تالیف و ترجمه در زمینه های تخصصی، علمی، ادبی، فلسفی و سیاسی از خود بر جای گذاشت.

او توانست با زیرکی به مدت ۴ سال از فرمانداری نظامی (به سرکردگی تیمور بختیار) و ضد اطلاعات ارتش که به شدت به دنبال او بودند بگریزد و به مبارزه مخفی علیه کودتا ادامه دهد سرانجام در ۱۵ تیرماه ۱۳۳۶ مخفی گاه خسرو روزبه سرگرد کمونیست ارتش که مدتها فراری بود در خیابان

به یاد خسرو روزبه...

بوده لحظه تیرباران را چنین توصیف کرده است.
 "به سربازان جوخه اعدام سلام کرد و اظهار داشت: من میدانم که شما مقصر نیستید شما سربازان به منظور انجام وظیفه و همان اطاعت کورکورانه اینجا گرد آمده اید، تا وطن پرستی مثل مرا تیرباران کنید. بر شما خرده نباید گرفت ... می خواستند چشمانش را ببندند خسرو روزبه مانع این حرکت شد و با صدای رسا گفت: جوخه گوش به فرمان من! سرهنگ جاوید خواست این صدا را محو کند ولی نتوانست روزبه با صدای رسا و غیر قابل انتظار فریاد کشید: مرگ بر شاه خائن ..."

گلوله هایی که بر سینه خسرو روزبه نشست گل داد و او را جاودانه کرد و صدایش را به گوش همه جهان رساند. رفیق خسرو روزبه به تعبیر روزنامه ((ایزو ستیا)) مردی بود که افسانه شد.

بود تا مبدا روزبه رنجور و تیر خورده از چنگش بگریزد. دشمن ضعف خود را در برابر قوت روح، استحکام اراده و پایداری این مبارز انقلابی زیر سایه نیزه ها و تفنگ پنهان می داشت.

ساعت ۴ روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ در زندان به سراغ او رفتند، خسرو وصیت نامه کوتاهی خطاب به رفقا و دوستان خود نوشت. قبلاً گفتنی ها را گفته بود او را حرکت دادند به کمک عصا راه می رفت. صدای گامهای مطمئن او در سکوت سپیده، سرود بی کلام رزم میلیون ها مردمی بود که او را وجدان انقلابی خویش می دانستند. ((روزبه)) در این لحظه مظهر پایداری و تسلیم ناپذیری یک جنبش در برابر رژیم سر سپرده شاه بود. او نخواست چشمانش را ببندند: من از مرگ نمی ترسم. چشم در چشم دژخیمان خود "آزموده، بختیار، امجدی، رجایی" دوخت. خائنین نگاه به زیر افکندند. سرهنگ بازنشسته محمد خیبری که شاهد اعدام خسرو روزبه

در نشست هم...

شورای شهر برسد و پس از آن نیز فعالان حوزه زنان بعد از تمام شدن کارزار انتخابات، پیگیر اجرائی شدن این مطالبات از سوی نهادهای مربوطه باشند. در مقدمه بیانیه مطالبات زنان از ریاست جمهوری آمده است: «پیگیری مطالبات برابری خواهانه و تلاش برای تحقق آنها از سوی کسانی که دغدغه ساختن جامعه ای برابر و به دور از تبعیض های جنسیتی را دارند، به دوران انتخابات محدود نمی شود و اراده و تلاشی مداوم می طلبد. بالاین حال انتخابات در ایران همواره فرصتی برای طرح مطالبات مهم اما فراموش شده یا به ثمر نرسیده جامعه است و تا زمان تحقق کامل جامعه مدنی اثرگذار، ضرورت بهره گیری از این مجال بیش از هر زمان دیگری احساس می شود».

مطالبات مطرح شده در این بیانیه، به مسائلی مانند وضعیت اشتغال زنان، پیگیری حقوق مدنی آنها و بازنگری در قوانین تبعیض آمیز میان زنان و مردان، ملزم کردن کارفرما برای پرداخت دستمزد یکسان به زنان و مردان، تهیه فرصت شغلی برابر برای زنان و مردان پرداخته است؛ اما در نشست امروز، فعالان زن تأکید کردند مهمترین درخواست های مورد

بعد از هفته ها چکش کاری و صحبت و تهیه پیش نویس و جمع آوری امضا، روز گذشته فعالان حوزه زنان در نشستی خبری از مطالبات خود با 180 امضا رونمایی کردند مطالباتی که حقوق حقه و نادیده گرفته شده زنان را به علت مسائل و مشکلاتی که کشور همیشه درگیر آن است، دوباره بررسی می کند. این بار زنان جوان در حوزه زنان، برگزاری جلسات را به دست داشتند. بزرگترها فرصت دادند تا جوان ها مراسم برگزار کنند و بیانیه را به کمک آنها بنویسند. فرصتی که سال های سال در پایه ها و نهادهای بزرگتر، از جوانان گرفته می شد و نمی گذاشت دیده شوند. دو بیانیه مجزا برای آنکه بتوانند خواسته های اجرائی خود را بدون واسطه به دست کاندیداهای امروز برسانند که هر دوره انتخابات مسئله زنان به عنوان مهمترین دغدغه آنها مطرح می شود و بعد از اتمام انتخابات، این ژست روشنفکری نعتنها دردی از آنها دوا نمی کند، بلکه می تواند مانع و سنگی برای کارهای دیگرشان باشد.

در دو بیانیه مجزای تهیه شده، قرار شد مطالبات مطرح شده پس از انتشار در رسانه ها، به دست کاندیداهای ریاست جمهوری و

در نشست هم...

برای نفی رویکرد متهم‌انگاری زنان در زمینه بروز آزار خیابانی از طریق فرهنگ‌سازی، پیام‌رسانی عمومی و تبلیغات بخش‌هایی از مطالبات زنان در این بیانیه بود.

سخنران ابتدایی این مراسم، فاطمه گوارایی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان بود. وی در ابتدای سخنان خود تصریح کرد: «تحلیلگران علوم اجتماعی جنبش زنان را در حال حاضر ذیل جنبش‌های اجتماعی جدید و معاصر تعریف می‌کنند. چرا؟! به علت اینکه هدف‌دار بودن، هوشمندی در درک موقعیت، استفاده از فرصت‌ها، دفاع از جهان زیست معطوف به جامعه مدنی، بسط حقوق شهروندی، توجه به جنبه‌های فرهنگ و شیوه‌های زندگی، متمایل به ایجاد دولت عقلانی، غیر ایزاری، متکی به رسانه‌های جمعی و ... آن باعث شده با جنبش‌های اجتماعی جدید، دارای حوزه علائق مشترک باشد». گوارایی افزود: «دو انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای شهر و روستا در جریان است. هر دوی این انتخابات‌ها و نتایج حاصل از آن برای فعالان و کنشگران حقوق زنان دارای اهمیت است». مهم‌ترین نکاتی که در صحبت‌های این فعال حقوق زنان به آنها اشاره شد مواردی از این دست بود: در انتخابات ریاست‌جمهوری تداوم روند تغییر، مستلزم تقویت نیروهای حامی تغییر در نظام سیاسی است. در انتخابات شوراها نیز تداوم روند تغییر، با فعال شدن بیشتر جامعه مدنی و تقویت و توانمندسازی آن مدنظر است. به گفته گوارایی، هر دوی این انتخابات تأثیرات بسیاری بر تعمیق روند دموکراسی در ایران کنونی و آینده دارد زیرا این امکان را فراهم می‌کند تا امکان بیشتری برای پایه‌ریزی مبانی فرهنگ دموکراتیک فراهم آید و بستر مناسبی برای بازتاب دیدگاه‌های جامعه مدنی و نیروهای اجتماعی پدید آورد».

زیبا جلالی، فعال حوزه زنان و ناشر، نیز سخنران دیگر این مراسم بود. وی اظهار کرد: «مطالبات زنان دو دوره خیلی پررنگ شده است، من می‌خواهم بحثم را روی بیان مطالبه و اینکه مطالبه چه جایگاهی برای نهادهای مدنی دارد، متمرکز کنم و در عین حال تأثیر این کنش‌هایی را که نهادهای مدنی از جمله جنبش زنان و نهادهای فعال زنان در این زمینه روی گفت‌وگوهای مسلط گذاشته است بیان کنم. من روی این مطالبات

پیگیری‌شان از رئیس‌جمهور آینده کشور، در دو بند این بیانیه آمده است. آنها گفتند همه ما می‌دانیم که سهم زنان از بازار کار کشور کمتر از 15 درصد است و ما می‌خواهیم در دوره جدید ریاست‌جمهوری این میزان حداقل دو برابر شود؛ آن هم در شرایطی که روزبه‌روز بر تعداد زنان سرپرست خانوار افزوده می‌شود و از طرف دیگر، زنان به علت مسائل اقتصادی مجبور هستند پایه‌های مردان کار کنند. از طرفی زنان به عنوان بخشی از نیروی انسانی این کشور، حق دارند فرصت برابر شغلی در شأن خود و همپای مردان داشته باشند. مسئله دیگری که مورد بحث و درخواست زنان کنشگر قرار گرفت، تخصیص 30 درصد مسندهای وزارتی و مدیریتی به زنان بود. آنها در بیانیه خود به صراحت عنوان کرده بودند اختصاص حداقل 30 درصد از کابینه به زنان توانا و برابری‌خواه، مطالبات حداقلی و به‌تعمیق افتاده دیگری است که لازم است در دولت آتی محقق شود.

از بندهای دیگر بیانیه‌ای که به امضای کنشگران زن رسیده بود، می‌توان به افزایش بودجه ورزش زنان برای ارتقای سطح حرفه‌ای ورزشکاران زن و رفع نابرابری‌های موجود در ورزش‌های قهرمانی، تلاش برای رفع تبعیض از ورزش زنان در رسانه ملی و توجه ویژه این رسانه به مسابقات زنان در رشته‌های مختلف ورزشی، تلاش برای رفع موانع حضور زنان در مسابقات بین‌المللی، از جمله محدودیت‌های مربوط به پوشش ورزشکاران زن و تصمیمات خارج از قانون و گاه گزینشی در این حوزه و... اشاره کرد.

در این نشست خبری، درباره مطالبات زنان از شورای شهر نیز بحث و بررسی شد. ایمن‌سازی فضای عمومی و بی‌دفاع یا متروک شهری و تغییر کاربری فضای ناامن برای زنان از طریق نورپردازی معابر، ایجاد بازارهای محلی- منطقه‌ای امن برای دست‌فروشان به‌ویژه دست‌فروشان زن و توقف سیاست کنونی مدیریت شهری مبتنی بر اولویت وسایل نقلیه به انسان‌ها و سپس حذف بیلبردهای تبلیغاتی از پل‌های عابر پیاده به منظور ایمن‌کردن آن برای رفت‌وآمد زنان، اختصاص فضایی متناسب برای زنان در وسایل حمل‌ونقل عمومی به منظور تسهیل تردد و تحرک زنان در فضای شهری، تلاش

در نشست هم...

گفتمان‌های زنان را در سیاست خود می‌گنجاند که نتایج مثبت کنش اجتماعی است.»

در ادامه این همایش نگین باقری، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان، بیان کرد: «از دیرباز تا امروز محدود شدن زنان به خانواده، مبتنی بر ریشه‌های طبیعی سرشت زنان تبیین می‌شد. محروم کردن زنان از حقوق مدنی و سیاسی‌شان این‌گونه توجیه می‌شد که زنان فطرتاً برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی در خارج از خانه مناسب نیستند. اما امروزه با تلاش زنان بزرگ تاریخ این گزاره‌ها عمدتاً طرد شده و زمینه‌های حداقلی برای حضور زنان در سیاست، اقتصاد و اجتماع فراهم شده است. با این حال این تلاش‌ها هنوز به همراه خود قوانین ضدتبعیض را نیاورده‌اند. هنوز نرخ اشتغال زنان از حدود ۱۵ درصد بالاتر نرفته، هنوز راه بسیار طولانی اصلاح قوانین مدنی و... باقی مانده است. همچنان راه زنان در عرصه‌های بسیاری از فعالیت‌های ورزشی با ممانعت‌های کلیشه‌ای روبه‌روست. گرچه ناامیدانه برخی از این درخواست‌ها را بدون اندکی تغییر از صندوقچه قدیمی مطالبات زنان از دهه‌ها قبل دوباره تکرار کرده‌ایم، اما این بار از روی ناچاری امیدواریم با گسترش امکان فعالیت مدنی دغدغه‌مندان حوزه زنان بتوانیم در چهار سال آینده سهمی در تاریخ داشته باشیم؛ سهمی که مقابل سرسپردگی‌های جنسیتی مقاومت کرده و می‌خواهد شکل دیگری از بودن در عرصه اجتماع را تجربه کند و صدای دیگری را به طنین اندازد. سهمی از زنانی که چیزی بیشتر از جغرافیای تحمیل‌شده خانه خواسته‌اند و به جای سوژه مسلط تاریخی مرد، امکان‌های دیگری برای زیستن معرفی می‌کنند.»

فاطمه صادقی، استاد دانشگاه نیز سخنان میهمان این نشست مطالبه‌گری بود. صادقی در بخشی از سخنان خود تصریح کرد: «بعد از دوم خرداد در ایران شاهد این بودیم که مطالبات زنان به صورت عمومی‌تری در فضای جامعه مطرح شد و این سؤال مورد بحث قرار گرفت که زنان در جمهوری اسلامی چه نقشی دارند و چه‌کاره‌اند؟ به واسطه جنبش اصلاحات، زنان می‌توانستند مطالبات خود را در جامعه طرح کنند اما بعد از شکست اصلاحات جنبش زنان هم کم‌رنگ شد.

نام مطالبات عمل‌گرا گذاشته‌ام. ۴۰ سال از انقلاب اسلامی و ۱۱۱ سال هم از انقلاب مشروطه گذشته است؛ دو انقلابی که با انگیزه تغییر پیش آمدند. از آن روزی که نگرش‌ها و تحلیل‌ها و گفتارها باید تغییر کرده باشد، ۲۰ سال پیش، ما فعالان زنان مهم‌ترین خواسته مدنی‌مان پیرامون فعالیت و مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و از بین بردن موانع قانونی و فرهنگی این مشارکت بود. اما اکنون جای خوشحالی است که صحبت از سهم‌خواهی زنان از قدرت و جایگاه‌های تصمیم‌ساز می‌شود.» وی تصریح کرد: «خواسته‌های ما باید دقیق‌تر و برابری‌خواهانه‌تر باشد. لزومی نیست به کتاب‌های آکادمیک مراجعه کنیم تا برایمان مسجل شود شکل‌گیری گفتار جامعه از درون واقعیت‌های زیسته و در نتیجه فاصله‌های جنسیتی بر می‌آید. در عین حال می‌دانیم جامعه این تفاوت‌ها را شکل می‌دهد و این تمایزها را تقویت و ارزش‌گذاری می‌کند.» جلالی خاطر نشان کرد: «ما باید به نوع و جنس مطالبات خود توجه کنیم. وجود یک نهاد یا سمت نمادین چه تأثیری در شرایط زنان ما خواهد داشت؟ از طرفی آن چیزی که برای جامعه مدنی نظاره‌گر جالب شده که سطح بیان مطالباتی است که در گفتار و در برنامه‌های سیاسی امروز رایج شده که هم از سوی نهادهای زنان و هم از جانب نماینده‌ها و کاندیداهای ریاست‌جمهوری به یک میزان ارتقا پیدا کرده است. تحلیل این امر فرصت بیشتری می‌طلبد، اما این نشان از دینامیسمی دارد که موجب ارتقای شنوایی صدای جامعه و ضرورت بازتولید گفتار آن شده و همین پدیده، ارتقا در سطح گفتار مسلط به حساب می‌آید.» جلالی در پایان افزود: «آنچه می‌خواهم بر آن تأکید کنم این واقعیت است که گفتار مطالبه‌گر از سوی نهادهای نزدیک به قدرت به‌نوعی از مطالبات جامعه پیشی گرفته و باید به آن توجه کرد. این نکته بیانگر چند مفهوم است که باید راجع به آن بحث کرد؛ اول اینکه جامعه زنان در بیان خواست‌هایش محافظه‌کارتر شده یا لزومی برای تبیین آن در این برهه نمی‌بیند، دوم اینکه گفتار مسلط در عین اینکه با گرایش جامعه به توصیف خواسته‌هایش می‌پردازد، از یکسو سطح مطالبات را بالا می‌برد که از آن استفاده ابزاری می‌شود و از سوی دیگر دولت عمداً

در نشست هم...

30 درصدی می‌خواهیم تا به حال تأکید زیادی بر نقش زنان در انقلاب شده است. اما زنان انقلاب کردند که بعداً از فضای عمومی زن زدایی شود؟ به نظر من امروز دچار بحران فراگیری در مفهوم زن شده‌ایم و نمی‌توانیم تصویری از زن ایده‌آل بازنمایی کنیم».

مینو مرتاضی فعال پیش‌کسوت حوزه زنان نیز آخرین سخنران این مراسم بود، او گفت: «در این دوران کاندیداها مدام از دخترکان مظلومی صحبت می‌کنند که آبرویشان در خطر است یا تحت ستم قرار می‌گیرند، اگر یک رئیس‌جمهور یا کاندیدای زن هم در این میان بود و درباره سبک زندگی از او سؤال می‌شد به سبک زندگی اشرافی و غیراشرافی اشاره نمی‌کرد، او درباره آزادی انتخاب سبک زندگی که حق انسانی هر فرد است صحبت می‌کرد. بنابراین معتقدم باید تکلیف واژه رجل سیاسی را روشن کنند. با یک ادبیات مبهم و چندپهلوی در قانون اساسی در این باره صحبت می‌شود؛ در حالی که ادبیات قانون اساسی باید همه‌فهم باشد. حالا جالب اینجاست زنی که خودش قانون‌گذاری می‌کند نمی‌تواند به‌عنوان رئیس‌جمهور، اجراکننده این قانون باشد».

در پایان این نشست این مطالبات در اختیار حاضرین قرار گرفت. گفتنی است از میان این امضاکنندگان می‌توان به نام‌هایی چون آذر منصوری، احترام برومند، الهام کردا، فرخنده جبارزادگان، آزاده صمدی، بابک احمدی، باران کوثری، بلال مرادویسی، بهاره هدایت، شیوا نظرآهاری، غنچه قوامی، پریناز ایزدیار، ترانه علیدوستی، مهناز افشار، سحر دولت‌شاهی، هدیه تهرانی، نوشین احمدی خراسانی، مینو مرتاضی، حسن اسدی زیدآبادی، کیوان صمیمی، سمیه فرید، پرستو دوکوهکی، عالییه شکرپیگی، شبنم مقدمی، لیلی رشیدی و لیلا ارشد اشاره کرد.

منبع: روزنامه شرق

بعد از سال 84 گسستی در جنبش زنان رخ داد که به واسطه فضای سیاسی کشور باعث از دست رفتن توان فعالان زن شد. بسیاری مهاجرت کردند و بسیاری دیگر فعالیت در این مسیر را کنار گذاشتند اما آیا این یعنی حالا که فضایی شکل گرفته باید به همان مسیری که ما در دهه 80 طی می‌کردیم برسیم؟ نه. امروز اما در شرایطی که جنبش اصلاحی وجود ندارد می‌توان جنبش زنان را احیا کرد. جنبشی که باید گسترده‌تر از منعکس کردن مطالبات باشد و در مقابل، جامعه و حضور زنان در فضای شهر را به رسمیت بشناسد.

تا به حال تأکید زیادی بر نقش زنان در انقلاب شده است. اما زنان انقلاب کردند که بعداً از فضای عمومی زن زدایی شود؟ به نظر من امروز دچار بحران فراگیری در مفهوم زن شده‌ایم و نمی‌توانیم تصویری از زن ایده‌آل بازنمایی کنیم».

مینو مرتاضی فعال پیش‌کسوت حوزه زنان نیز آخرین سخنران این مراسم بود، او گفت: «در این دوران کاندیداها مدام از دخترکان مظلومی صحبت می‌کنند که آبرویشان در خطر است یا تحت ستم قرار می‌گیرند، اگر یک رئیس‌جمهور یا کاندیدای زن هم در این میان بود و درباره سبک زندگی از او سؤال می‌شد به سبک زندگی اشرافی و غیراشرافی اشاره نمی‌کرد، او درباره آزادی انتخاب سبک زندگی که حق انسانی هر فرد است صحبت می‌کرد. بنابراین معتقدم باید تکلیف واژه رجل سیاسی را روشن کنند. با یک ادبیات مبهم و چندپهلوی در قانون اساسی در این باره صحبت می‌شود؛ در حالی که ادبیات قانون اساسی باید همه‌فهم باشد. حالا جالب اینجاست زنی که خودش قانون‌گذاری می‌کند نمی‌تواند به‌عنوان رئیس‌جمهور، اجراکننده این قانون باشد».

در پایان این نشست این مطالبات در اختیار حاضرین قرار گرفت. گفتنی است از میان این امضاکنندگان

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.

پیشه وری



زینب پاشا در شعر و بیان استاد میرزا حسین کریمی مراغه‌ای

مجید رضازاد عموزین‌الدینی

شده بود و گرسنگی مردم را به‌دید می‌کرد، به تحریک او ریان تبریز به انبارهای گندم محتکران حمله کردند و درب انبارها را گشودند و ذخایر انبارها را در اختیار نیازمندان و فقرا قرار دادند. او زنی مبارز بود که دربار قاجار را به هراس افکنده بود. «دایره المعارف تشیع، ۱۳۷۹، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، بهالدین خرمشاهی، ج ۸، تهران، ص ۵۹۹».

لازم به ذکر است که زینب پاشا در میان شاعران آذربایجان نیز از قدیم‌الایام مورد توجه خاصی بوده، تا جایی که چندین شعر زیبا و پرمحتوا از شاعران این دیار در مورد این شیرزن دلاور آذربایجان به یادگار مانده است. «در مورد این اشعار بنگرید: کتاب زینب پاشا، ۱۳۸۸، مجید رضازاد عموزین‌الدینی، نشر اختر، تبریز».

در این نوشته سعی داریم به طور اجمالی به شعر «زینب پاشا» سروده استاد کریمی مراغه‌ای نظری داشته باشیم. این شعر در جلد ۱۷ رنگارنگ کریمی که اخیراً به زیور طبع آراسته شده، آورده شده است. اما جریان سروده شدن این شعر زیبا به این قرار است که در آبان ماه سال ۱۳۹۵، از طرف «سرردود مدنیت اوجاگی» که به همت جناب استاد محمد حسین قابل نژاد سرردودی اداره می‌گردد، مراسمی برای تجلیل از استاد داود مثمر (عاصی مراغه‌ای) گرفته شد و در این مراسم استاد کریمی مراغه‌ای نیز حضور داشتند، بعد از پایان مراسم فرصتی دست داد تا نگارنده این سطور {رضازاد عموزین‌الدینی} با استاد کریمی دیداری صمیمی داشته باشم. در این دیدار بعد از صحبت‌های متفرقه، موضوع «زینب پاشا» توسط اینجانب به میان آمد و نخست شمه‌ای از تاریخچه زندگانی و مبارزات این شیرزن دلاور آذربایجان را با استاد در میان گذاشتم و سپس در مورد اشعاری که توسط شاعران این دیار در مورد زینب پاشا سروده شده، به محضر استاد مطالبی بیان نمودم و در نهایت از استاد کریمی خواهش نمودم

زینب پاشا، این شیرزن بی‌نظیر تاریخ آذربایجان، در دوره قاجار و در محله عموزین‌الدین شهر تبریز دیده به جهان گشود. «بنگرید: روزنامه آذربایجان، ۲۷ آذر ۱۳۲۰، ش ۱۴، (تبریزی زینب پاشا- مقاله روانشاد هلال ناصری)» این شیرزن را می‌توان یکی از نام‌آورترین و شجاع‌ترین زنان آذربایجان و ایران در طول تاریخ این مرز و بوم بشمار آورد. در نشریه «آذربایجان» در مورد زینب پاشا آمده است: وی نمونه‌ای از زنان رشید و معروف تبریز می‌باشد که مانند بیشتر شخصیت‌های تاریخی آذربایجان راه به کتاب‌ها نیافته و فراموش شده است. زندگی و مبارزات این زن شجاع درهاله‌ای از ابهام فرو رفته، ولی بعلت اهمیت قیامش، نام وی زنده و خودش نیز مشهور می‌باشد. «روزنامه آذربایجان، ۱۳۲۰، همان، ص ۲».

زینب پاشا پیش‌تاز بیداری زن‌ها ستم‌دیده ایرانی است، وی در دوره ناصرالدین شاه قاجار، مهر سکوت تاریخ را از لب برمی‌دارد و برای اولین بار در تاریخ ایران با چهل نفر از شیرزنان تبریز علیه ستم پیشگان و به موازات آن علیه نابرابری‌های جنسی که نظام فئودالی و دیدگاه‌های سنتی بر زنان تحمیل کرده بود، به جنگ مسلحانه و پارتیزانی دست می‌زند و همه را در برابر دلاوریهای شگفت‌انگیز خود به حیرت وا می‌دارد. «بنگرید: ناهیدی آذر، عبدالحسین، ۱۳۸۴، سه مبارز مشروطه، انتشارات اختر، تبریز، ص ۱۳۳».

در دایره المعارف تشیع و در ذیل زینب پاشا آمده است: «از زنان سیاستمدار و سخنور، شجاع و مبارز تبریز، پس از تعطیل بازار تبریز در نهضت تنباکو به رهبری میرزای شیرازی و بازگشایی مجدد آن توسط مأموران دولتی، زینب پاشا بسیاری از زنان تبریز را گرد آورد و با سخنرانی‌های آتشین خود آنان را وارد میدان مبارزه و مأموران دولتی را تهدید به برخورد و جنگ مسلحانه خیابانی کرد... در همین سالها به دلیل احتکار گندم از طرف مالکان، در تبریز قطعی

زینب که علینون قزی خاتون عربدی
 پرورده زهرا اوزی کانون ادبیدی
 درس غمه ابجدی وقار جد و ابدی
 خاتون قیامتدی قیامتده خانم قز
 ... زینب پاشا تک ایستی قان اولسون داماروندا
 بیگانه نیه قد علم ایستون دیاروندا
 فرصت طلبی قویما اوتورسون کناروندا
 نامحرمین افکاری خیانتده خانم قز
 ... عورتلر ایچینده کیشی زینب پاشا چخدی
 ظالمترین عمرین داشا وردی باشا چخدی
 غیرت سو اولوب آخدی تعصب داشا چخدی
 باخ قحط رجاله بو ولایتده خانم قز

... زینب پاشا تبریزین آدین ایلدی احیا
 وار سنده لیاقت اوزیوی ایله محیا
 شاید که قیامتده الوندن {توتا} زهرا
 ممتاز اولاسان دین و دیانتده خانم قز....

«کریمی مراغه‌ای، حسین، (زمستان ۱۳۹۵)، رنگارنگ
 کریمی، ج ۱۷، انتشارات پیری، تهران، صص ۳۴۹-۳۵۲»

در صورت امکان وی نیز در مورد زینب پاشا دست به قلم
 افسونگر خود ببرد و اشعاری هر چند کوتاه به یاد این شیرزن
 آذربایجان بسراید.... برایم بسیار جالب بود که این پیشنهاد با
 استقبال بسیار گرم و صمیمی استاد کریمی همراه گردید و
 حضرت استاد علاقمندی خویش را در این زمینه بیان نمودند
 که البته این از ارادت و احترام خاص استاد کریمی مراغه‌ای
 نسبت به زینب پاشا حکایت داشت... بهر حال اخیرا توسط
 جناب قابل نژاد اطلاع یافتیم که جلد ۱۷ رنگارنگ کریمی به
 چاپ رسیده و استاد به قول خود عمل کرده و شعر «زینب
 پاشا» را نیز در این مجموعه رنگارنگ خود آورده است. استاد
 شعر زینب پاشا را با این ابیات آغاز کرده اند:
 «سن زینب اولا بولمه سن عفتده خانم قز
 زینب پاشا اول باری شهامتده خانم قز»

در این شعر نسبتا بلند، نخست استاد کریمی ابیاتی در مورد
 حضرت زینب (س) آورده و بانوان را به عفت و حیا دعوت
 نموده و در ادامه نیز در ابیاتی به دلوریهای زینب پاشا این
 شیرزن دلاور آذربایجان پرداخته است. در این قسمت گزیده‌ای
 از این شعر آورده می‌شود:
 «زینب پاشا»

سن زینب اولا بولمه سن عفتده خانم قز
 زینب پاشا اول باری شهامتده خانم قز

موضوع اقوام؛ حلقه گمشده مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری

این موضوع می‌تواند به ریزش آرای روحانی در میان رای
 دهندگان اقوام بیانجامد.
 حسن روحانی در دوره قبل درخواست‌های قومی را در ۱۰ بند
 اعلام کرده بود. در آغاز بیانیه ۱۰ ماده‌ای شماره ۳ روحانی
 آمده است: «اکنون که انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست
 جمهوری یازدهم این فرصت تاریخی را فراهم کرده است،
 اینجانب متعهد و مصمم هستم در صورت استقرار دولت تدبیر
 و امید، اجرای اصول ده گانه که از فصل حقوق ملت در قانون
 اساسی است را در حق اقوام و مذاهب ایرانی به اجرا درآورم
 تا شاهد ایرانی آزاد و آباد با مشارکت همه ایرانیان باشیم.»

عدم طرح موضوع اقلیت‌های قومی، دینی و مذهبی در مناظره
 کاندیداهای ریاست‌جمهوری، پرسش‌های زیادی را مطرح
 کرده است. دلیل آن از طرف کارشناسان از جمله ابلاغیه‌ای
 ذکر می‌شود که رهبر ایران در آن طرح مسائل قومی را
 ممنوع کرده است.
 در کارزارهای انتخاباتی و دو مناظره تلویزیونی کاندیداهای
 ریاست جمهوری ایران، موضوع اقوام به اندازه دو دوره
 پیشین انتخابات ریاست جمهوری مطرح نبوده است. بسیاری
 از نخبگان اقوام که حامی روحانی هستند هشدار می‌دهند که

هشدار داده شده و اعلام شده: «هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی ممنوع است.»

ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات از طرف خامنه‌ای به عنوان رهبر به روسای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش از انتخابات ریاست جمهوری انجام گرفت و به گفته فعالین اقوام تشکیل "فراکسیون مناطق ترک نشین" در مجلس که ۱۰۰ نفر در آن عضو هستند در هشدار رهبری موثر بوده است.

تلاش فعالین اقوام برای تاسیس ستاد مستقل

عدم طرح مطالبات اقوام در مناظره‌ها و کارزارهای انتخاباتی، فعالین اقوام را دلسرد کرده و به گفته آنان این مسئله به آرای روحانی آسیب جدی می‌زند.

در مناطق قومی ستاد انتخاباتی نامزدها تاسیس شده و هریک از نامزدها ستادهای مستقل خود را به راه انداختند. در قیاس با دوره گذشته بحث تشکیل "ستادهای مستقل اقوام برای روحانی" در برخی از نواحی کشور از جمله کردستان و ترکمن صحرا با مشکلاتی روبرو شده است. بسیاری از فعالین سیاسی و انتخاباتی بر این باور هستند که برای جذب آرای بیشتر برای آقای روحانی باید ستاد مستقل اقوام تاسیس کرد.

آنا محمد بیات نائب رئیس "مجمع تدبیر و امید در ترکمن صحرا" می‌گوید: «تشکیل ستاد مستقل ترکمن صحرا هیچ ایرادی ندارد. همانطور که ستاد مستقل ترکمن‌ها برای قالیباف و رئیسی تشکیل شده است. در گذشته نیز سابقه داشت و فعالین ترکمن حامی کروی ستاد مستقل داشتند. اگر در مناطق اهل سنت و اقوام ستادهای مستقل تشکیل شود دستاورد زیادی دارد. فعالین اقوام دلگرم شده و در راس هرم قرار می‌گیرند و بری جذب آرا و مشارکت حداکثری مردم تلاش بیشتری خواهند داشت.»

ستاد روحانی یا ستاد اقوام

رئیس "مجمع تدبیر و امید در ترکمن صحرا" تاکید می‌کند در حال حاضر فعالین ترکمن در ستاد روحانی انگیزه کافی ندارند. لازم است خون تازه‌ای به آنها دمیده شود و این مهم با تشکیل ستاد مستقل میسر می‌شود. این کارشناس تاکید می‌کند

در آن زمان حسن روحانی در مقایسه با سایر کاندیداها بیشترین آرای رای دهندگان مناطق قومی را بدست آورد و از جمله با اتکا به آرای اقوام موفق شد در دور اول انتخابات پیروز شود. در این دوره ولی مسائل قومی از طرف روحانی و سایر کاندیداها مطرح نمی‌شود.

وبسایت "عصر ایران" می‌نویسد مطالبات قومی یکی از حلقه‌های مفقوده شده انتخابات در این دوره است. به نوشته این سایت کاندیداها معمولاً برای گرفتن رای اقوام یا تحت تاثیر فضای کشور شعارهای مربوط به حقوق اقوام را در برنامه انتخاباتی خود قرار می‌دادند اما در این انتخابات این مسئله اتفاق نیافتاده است.

به نوشته عصر ایران بی‌اعتنایی کاندیداها یا ناشی از بی‌اهمیت بودن این مطالبات در میان عامه مردم است یا ناشی از بی‌اهمیت بودن این مطالبات برای کاندیداها. عصر ایران ادامه می‌دهد: «بسیاری از اقوام ترجیح می‌دهند که قبل از حل مشکل اقتصادی و معیشتی‌شان مشکل دوگانگی زبانی کودکان آنها در مدارس ابتدایی حل شود و چالش‌های هویتی خود و فرزندان خود را حل شده ببینند.»

عصر ایران تاکید می‌کند بی‌اهمیت بودن این موضوع برای کاندیداها به معنی بیگانه بودن کاندیداها با دغدغه‌های بخش بزرگی از جامعه ایران است. این به این معناست که دولت آینده نماینده مردم و پیگیر دغدغه‌های آنها نخواهد بود.

ابلاغیه رهبر بر سر طرح مسائل مربوط به اقوام

ابراهیم رئیسی کاندیدای ریاست جمهوری در دیدار با اهل سنت

به نظر می‌رسد که عدم طرح مسائل مربوط به اقوام در این دور از انتخابات به نگرانی‌هایی مربوط باشد که کل حاکمیت ایران از عمیق شدن شکاف قومیتی در کشور دارد. در ابلاغیهی آیت‌الله خامنه‌ای در باره انتخابات و ترسیم خطوط قرمز برای نامزدها در فعالیت‌های تبلیغاتی، بخش مهمی به موضوع مطالبات اقوام اختصاص دارد.

در ابلاغیه‌ای که ۲۵ مهر ۱۳۹۵ از طرف رهبر ایران صادر شد برخی محدودیت‌ها برای طرح موضوع مسائل اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی مطرح شده است. در این ابلاغیه ۱۸ ماده‌ای به نامزدهای انتخاباتی در خصوص مسائل قومی

کشوری در انتهای جهان، یا پوشیدن لباس و چند کلمه سخن گفتن به زبان کردی، بیشترین دست آورد دولت های قبل در خصوص مسئله کردها بوده است.»

کردپرس به این مسئله اشاره می‌کند که هرچند تاکنون توجه کمتری نسبت به دوره‌های قبل به مسئله کردها شده اما با رسیدن به روزهای پایانی تبلیغات، شاهد مواضع و شعارهای بیشتری از سوی نامزدها خواهیم بود.

ایران در آستانه انتخاباتی قرار دارد که آرای اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی می‌تواند در نتایج آن بسیار موثر باشد. تجربیات دوره‌های قبل نشان می‌دهد که تنها آن کاندیداهایی موفق شده‌اند اکثریت آرا را کسب کنند که برنامه مشخصی برای اقوام داشته‌اند. به گفته کارشناسان در شرایط فعلی هم کاندیدایی موفق به کسب آرای اقوام و اقلیت‌های دینی خواهد شد که مطالبات قومی را در برنامه انتخاباتی خود بگنجانند و به رغم ابلاغیه و موانع بتواند آن را مطرح کند.

منبع: دوپچه وله

روحانی در برجام و مسائل خارجی خوب عمل کرد اما نسبت به اقوام کوتاهی کرد و در این دوره لازم است که عقب ماندگی‌ها جبران شود.

بیات تاکید می‌کند با وجود همه انتقادات و کاستی‌ها ما برای روحانی فعالیت می‌کنیم ولی انتظار داریم که با توجه به وزن سیاسی‌مان به ما توجه شود. اگر ستاد مستقل ایجاد شود نیروها با شوق و امید مضاعف به فعالیت ادامه می‌دهند و برای جذب آرا می‌کوشند.

بیات همچنین توصیه می‌کند اگر رای می‌خواهید امور ستاد روحانی را از صدر تا ذیل به خود ترکمن‌ها واگذار کنید. رای اقوام نباید مصادره و از قومیت‌ها استفاده ابزاری شود.

کردها هم ناراضی‌اند

سایت محلی کرد پرس از ناراضی‌های فعالین انتخاباتی کرد می‌نویسد: «صدور بیانیه‌ای یا انتصاب و اعزام سفیری به

هنر ادبیات بدون بازتاب زندگی ممکن نیست رحیم کاکایی

اجتماعی و سیاسی هر چه باشد به همه بشریت مربوط می‌شود. از این رو این پدیده اجتماعی همواره نقش سازنده و موثری در مبارزه اجتماعی بازی کرده است. در دوران ما ادبیات ضمن بیان و بازتاب ایدئولوژی طبقات گوناگون، در مبارزه سیستم‌های اجتماعی گوناگون مشارکت می‌کند و در خدمت آموزش توده‌ها، رشد آگاهی و فرهنگ معنوی مردم است. کارکرد اجتماعی ادبیات همانند یکی از اشکال ایدئولوژی در جامعه بازتاب مبارزه اجتماعی و سیاسی است. هنر ادبیات بدون بازتاب زندگی ممکن نیست. ادبیات تشدید واهمه، اضطراب و تعیین سرنوشت شخصیت و هویت انسان را نه تنها در برابر سیمای قوانین تکامل اجتماعی جامعه بلکه در برابر رمز و راز هستی نشان می‌دهد. ادبیات بازنمایی جریان رود بی پایان زندگی را در نیروی محرک رویدادها، در کشاکش پیکارها، از جان گذشتگی‌ها و در یک حرکت کلی، زندگی انسان را در یک نیروی تاریخی، که مردم خوانده می‌شود، با تفکر ی خلاق ترسیم می‌کند. همانگونه که در بالا

ادبیات در خانواده هنر جایگاه بسیار برجسته‌ای دارد. ادبیات نه تنها قادر است بطور وسیع‌تری پدیده‌های اساسی و پروسه‌های تکامل واقعیات، گرایش‌های عمده دوران‌ها را بازتاب دهد و بطور فعال در روند زندگی اجتماعی و تاثیر بر آن دخالت کند، بلکه ابزار نفوذ در زندگی اجتماعی و آگاهی اجتماعی و تاثیر بر آن است. ادبیات پیشرو همواره به جنبش اجتماعی عدالت خواهانه به نظریه اجتماعی پیشرو زمان خود گرایش پیدا کرده است. برخی از نویسندگان این امر را در شکل آشکار و صریح ابراز کرده‌اند، در حالی که دیگران این ارتباط و پیوند را تعمیق بخشیدند. در این روند بازگشت به زندگی به معنی تقویت و تشدید شروط اجتماعی ترسیم شده، و در آمیزی آنها با ابزار های نوین هنری است. درحالی که در هر کشوری مؤلفه های ملی در ادبیات آن چیره است با این حال در تکامل پروسه ادبی جهانگرایی برتری دارد. ادبیات معاصر پهنه مبارزه، یعنی مبارزه سیاسی، اقتصادی، معنوی- اخلاقی، استه تیک و غیره است. زیرا رُخ دادن رویدادهای

شناسی با شناسایی خواص ماندگاری ادبیات، قوانین درونی و اصل استه تیک آن ناسازگاری ندارد مشروط می‌کنند. روند ادبی همه آثار نوشته شده و منتشره در یک دوره خاص را در بر می‌گیرد. هر دوره ادبی با بروز و پیدایش نویسنده و یا نویسندگان برجسته‌ای، که بیانگران کامل گرایش‌های نوین دوران هستند مشخص می‌شوند. نویسندگان هم بطور مستقیم پدیده‌های اساسی زندگی معاصر را بازتاب می‌دهند و هم برای تاکید برجدا شدن خود از آن تلاش می‌ورزند. اما هر دوی آنها نمی‌توانند خارج از تاثیر دوران مفروض قرار گیرند. این نه تنها حق بلکه وظیفه نویسنده، شاعر یا هنرمند است که مرتبط با زمان و دوران خود باشد. از این رو این حقیقت که اثر ادبی تا حدودی وابسته به تحولات و دگرگونی‌های حرکت تاریخ است بدیهی است. اهمیت این عرصه هنر چونان شکل پیشرو و برجسته ی هنر معاصر در بسیاری مناسبات تاثیر می‌گذارد. این تاثیر و نقش عمده و پیشرو آن نخست به اینکه آن بطور شگفت انگیزی هشيارانه نبض و آهنگ دوران‌ها را دارد؛ زنده است و اینکه بطور مستقیم به روح و گرایش زمانه هم پاسخ و هم واکنش نشان می‌دهد، تعیین می‌شوند. برای مثال تاثیر عظیم ادبیات بر موسیقی کلاسیک، بر تکامل نقاشی رئالیستی، موزیک و تئاتر بویژه در سده نوزده و بیست بر کسی پوشیده نیست. ادبیات مناسبات موجود و ناهماهنگ غیر انسانی را که در کام لجن زار نابرابری اجتماعی فرورفته به همراه تحلیل زندگی می‌خواهد در یک جریان متحول به مناسبات انسانی دگرگون کند. هنر ادبیات جستجوی چگونه باید زندگی کردن در درون پدیده‌های بغرنج زندگی اجتماعی و مطالعه تحلیلی آن و آگاهی بیکران از تاریخ و پیوند پیاپی و یکریز با شعور توده‌ها است. شرایط نوین اجتماعی- تاریخی، تجربیات غنی تاریخی و معنوی در دوران‌های مختلف نمی‌تواند در ادبیات تاثیر نگذارد. همانگونه که دوران بحران زای اواخر سده نوزده و آغاز سده بیست تاثیر خود را بر روند ادبیات اروپای غربی که در برخورد با جهان بیرحم سرمایه داری، کاهش جنبش انقلابی و بدبینی ناشی از آن که منجر به بهای از دست دادن اعتماد به انسان نیز شده بود، بهمراه بروز پدیده‌های نوین و تشدید مبارزه جدی ایدئولوژیک- هنری و سبک‌های ادبی، گذاشت. بعنوان نمونه کم و بیش از سالهای دهه بیست تا دهه

گفته شد این پدیده اجتماعی ماهیتی اجتماعی دارد و از زندگی اجتماعی که در آن آگاهی اجتماعی، اخلاق و استه تیک جامعه، زایش ارزش‌های نوین اجتماعی، پیکارها و درگیری‌های اجتماعی بازتابی از واقعیت زندگی است و بر تمامی حوزه‌های شعور اجتماعی انسان تاثیر می‌گذارد، جدا نیست. ادبیات نغمه سرا و افسونگری پیوسته زنده از ژرفای روان آدمی است. در سالیان اخیر، تفکری تئوریک بگونه ای فزاینده ادبیات را به داستان نویسی و ادبیات بشدت هنری لایه بندی می‌کند. این تفکیک ولایه بندی، قطعا پرمعنی است، زیرا براساس آن نه تنها وضع واقعی جریان‌ها در خود ادبیات بلکه تنوع سلیقه‌ها، نیاز خوانندگان و تولید اشکال معین آثار ادبی در نظر گرفته می‌شود. در این عرصه دست کم ادبیات باید در حد «داستان» و یا کاغذ باطله و غیره تلقی شود. اما ادبیات نه تنها نوع مناسبات زندگی در جامعه را نشان می‌دهد بلکه به گفته‌ای «سفر به سرزمینی ناشناخته» است. در ادبیات، متن عطش بی پایان شناخت و درک «حرکت اشیاء» است که بر هنرمند در لحظه ای ایجاد دنیای پُر استعاره، تخیلی و خلاق مسلط است و ذخیره پایان ناپذیر امکاناتی است که از خود مواد زندگی بیرون آورده شده و به موضوع مشخص خلاقیت تبدیل می‌شود. تضادها و مبارزات اجتماعی و یا تضادهای موجود عینی در جامعه در ادبیات در شکل شعور اجتماعی و در مقیاس اجتماعی بصورت تضادهای زندگی واقعی بازتاب می‌یابد. هدف ادبیات بهمراه بهترین نویسندگان آن، نه تنها عمدتا خدمت به مردم که این خود والاترین هدف این هنر است، بلکه شناسایی نقش محیط و شرایط تاریخی در شکل‌گیری انسان و جستجوی پاسخ به آن است. به سخنی دیگر یعنی روند ادبی نمی‌تواند خارج از چارچوب و زمینه دوران‌ها بررسی و مطالعه شود. اصطلاح روند ادبی نشان دهنده وجود تاریخی ادبیات، کارکرد و تکامل آن هم در دوره معین و هم در طول تمام تاریخ ملت‌ها است.

- هر پدیده‌ای از ادبیات نه تنها بعنوان یک متن هنری بلکه در زمینه و چارچوب عوامل اجتماعی و فرهنگی دوران‌ها وجود دارد. همانا زمینه و چارچوب این عوامل مفهوم روند ادبی را تحقق می‌بخشند و ضرورت مطالعه و پژوهش ویژگی‌های روند ادبی این یا آن دوره را، که بهیچ وجه با گرایش ادبیات

فرهنگ هنری سده نوزده تثبیت شد. بازگویی کنکرت- تاریخی زندگی دستاورد هنر واقع گرایی انتقادی بود. واقع گرایی سوسیالیستی از لحاظ کیفی مرحله نوین در تکامل هنر نوع کنکرت - تاریخی است، و بنابراین، در تکامل هنری بشریت بطور کلی، اصل کنکرت- تاریخی مطالعه جهان مهم‌ترین دستاورد فرهنگ هنری جهانی سده های نوزده و بیست است. درمقایسه با واقع گرایی انتقادی در هنر واقع گرایی سوسیالیستی همراه با اصل غنی سازی کیفی تاریخ گرایی (تاریخی) غنی سازی ماهوی و اصل ایجاد شکل جدیدی از هنر رخ داد. اشکال کنکرت- تاریخی در هنر واقع گرایی سوسیالیستی ماهیت و کاراکنر پویا تر و بسیار موثری کسب کردند. درکل روش واقع گرایی سوسیالیستی توسعه هنری و خلاقانه شخصیت‌های انسانی واقعی را بعنوان نتایج منحصر بفرد، بی‌همتا و اصیل کنکرت- تاریخی و دورنمای تکامل تاریخی عمومی بشریت بسوی آینده مطلوب خود، یعنی بسوی یک سازند اجتماعی- اقتصادی مطلوب در نظر دارد. این عرصه ادبیات در صفحات آثار ادبی خود قهرمان و انسان نوینی که بطور فعال در زندگی شرکت می‌کند هم به اصلاح و تغییر جامعه غیرعادلانه آماده است و هم برای بهترین نظام اجتماعی آزاد مبارزه می‌کند وارد کرد. محتوای آثار ایدئولوژیک و مسلکی نوین این ادبیات اغلب با اشکال هنری دیگری همراه بود. نویسندگان انقلابی به سنن گوناگون، ملی و خارجی ای (مانند برتولد برشت، پابلو نرودا) که به تنوع و غنای روند ادبی کمک می‌کرد استناد و تکیه کردند.

درسالهای جنگ دوم جهانی اکثر نویسندگان اروپا (مانند آلمان، انگلیس، فرانسه، اسپانیا) و آمریکا نیز صادقانه وظیفه میهنی خود را انجام دادند. آنها در صفوف ارتش مبارزه در جنبش مقاومت شرکت کردند، شینامه‌ها، مقالات، داستان‌ها، حکایات، رمان‌ها، اشعار و ترانه‌های ضد فاشیستی نوشتند، دلاوری‌های میهن دوستان را تشریح و جهت گسترش مبارزه مردمی علیه اشغالگران فاشیست و همکاران محلی آنها فراخوان دادند. لازم به یادآوری است که دوران معاصر قانونمندی عینی ادبیات همه کشورها- مهم نیست که تکامل ادبیات در هریک از این کشورها چقدر متنوع بوده - رویارویی و جبهه گیری واقع گرایی و مدرنیسم بود. سده

چهل سده میلادی گذشته در ادبیات اروپا، با نظر داشت ویژگی‌های ملی آن، رویدادهای پراشوب این دوران بازتاب می‌یابد. درسالهای دهه بیست هنگامیکه فرایند ادبی تحت تاثیر جنگ جهانی اول جریان داشت، انقلاب در روسیه این روند را در همه جهان برهم می‌زند. مرحله نوین در سال‌های دهه سی، تشدید مبارزات اجتماعی- سیاسی و ادبی در رابطه با بحران اقتصادی جهانی، نزدیک شدن جنگ جهانی دوم است. و سرانجام مرحله سوم مرحله جنگ جهانی دوم و اتحاد همه بشریت مترقی در مبارزه علیه فاشیسم است. سال‌های دهه بیست و سی دوره استیلاء و دست آوردهای واقع گرایی در اکثریت کشورهای اروپایی است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و جنگ جهانی دوم انگیزه و مایه اوج گیری و اعتلاء نه تنها فرایند ادبیات بلکه جنبش انقلابی در بسیاری از کشورها شد. در سده بیست روند ادبی فشرده تراز پیش با تحولات تاریخ همراه شد. رشد و تکامل ادبیات انقلابی راه همواری را نیمود، اما آن بطور کلی نقش مهمی در روند ادبیات جهانی بازی کرد. این روند که واقع گرایی سوسیالیستی نامیده شد درپهنه ادبیات‌های ملی موضوعات نوینی را به همراه داشت و تدوین دیگری را آغاز می‌کرد. اصطلاح واقع گرایی سوسیالیستی که خود گونه‌ای از واقع گرایی است در اوایل سالهای دهه سی سده بیست میلادی در جریان بحث‌های آستانه نخستین کنگره نویسندگان شوروی (1934) پدید آمد. در همان زمان مفهوم تئوریک واقع گرایی سوسیالیستی بمثابه روش هنری بوجود آمد و ارزیابی نسبتاً جامعی از این روش تدوین شد که اهمیت خود را تا زمان کنونی نیز حفظ کرده است.

بعدها پس از انقلاب اکتبر در روسیه هنر رئالیسم سوسیالیستی در فرهنگ هنری جهانی اهمیت گسترده تری پیدا کرد و در همه انواع هنر استادن برجسته‌ای که بزرگترین نمونه‌های آثار هنری را ایجاد کردند مطرح شد. برای نمونه در ادبیات گورکی، مایاکوفسکی، شولوخف، یوهانس بشر و آراگون، در سینما آیزنشتاین، در تئاتر استانیسلاوسکی، برشت، در موسیقی پروکوفیف، شوستاکوویچ و غیره بودند. در واقع پیوندهای هنری واقع گرایی سوسیالیستی توسط همه تاریخ تکامل هنری بشریت مترقی تهیه شده بود، اما پیش‌شرط‌ها و موجبات بلاواسطه هنری پیدایش این پدیده در

در دوره پس از انقلاب اکتبر هم زمان با ژانرهای رمان اجتماعی، رمان‌های علمی-تخیلی، تاریخی و درام‌های تاریخی، اهمیت رمان‌های اجتماعی-روانشناسی (مانند ا.همینگوی) و نول‌های روانشناسی (مانند ش.آندرسن) افزایش می‌یابد. باید گفت که از دهه سی میلادی به بعد است که توجه به توده‌های مردم، به هویت و ملت، به وقایع تاریخی گذشته که به درک و شناخت مفهوم مدرنیته کمک کردند افزایش می‌یابد.

متناسب با این دوره نیز اشکال رمان‌های تاریخی، روانشناختی، تخیلی، رمان حماسی، رمان سیاسی و فلسفی نوسازی میشوند و تحولات مناسب و شایسته‌ای نیز در شعر و درام رخ می‌دهند. در این دوره رشد و تکامل ژانر رمان حماسی ادامه می‌یابد و رمان‌های فلسفی (مانند، ت.مان)، سیاسی، شرح حال (بیوگرافی، زندگی‌نامه) گسترش زیادی پیدا می‌کند و هم‌درزمینه درام نویسی درام‌های حاد روانشناسی (یو.اونیل) و درام‌های قهرمانانه درباره انقلاب (ر.رولان) پدیدار می‌شوند. درزمینه رشد و تکامل ژانرهای ادبی درمیهن ما می‌توان به انقلاب مشروطه در ایران و تحول اساسی در عرصه ادبیات و هنر اشاره کرد که مایه پیدایش اشکال و سبک‌های نوین ادبی، حتی زبان ادبی و شیوه نگارش نوین و پیدایش داستان‌های کوتاه و رمان‌های تاریخی-اجتماعی گردید و این امر خود بازتابی بود از تاثیر ادبیات اروپا بر روند ادبیات ایران. یا فضای اجتماعی و جو سیاسی ناشی از کودتای بیست و هشت مرداد سی و دو در ایران و به تبع آن انقلاب بهمن پنجاه و هفت در ایران که این رویدادهای تاریخی تاثیرات خود را در ادبیات و هنر کشور گذاشته است. در هنر بحث ایدئولوژیکی همواره با جدال متدهای هنری روبرو و به اتمام میرسند. گویی این تاریخ است که به ادبیات اجازه نمی‌دهد از تیررس تاثیرات آن بگریزد و با سرنوشت تاریخی جامعه درهم می‌آمیزد تا شعور اجتماعی را از شر شرارت و توهمات اجتماعی برهاند و از فرسایش تدریجی اخلاقیات، کاهش جنبش انقلابی و زوال و مسخ شخصیت انسان‌ها در جامعه‌ای ناعادلانه جلوگیری کند. این تلاش ادبیات نمادی از پیکار اندیشه‌ها است. در اینجا است که خلاقیت هنری جدا از جهان بینی نویسنده و هنرمند نیست. این هنر با تحلیل زندگی

بیست با مدرنیسم که با انکار پیشرفت و نقش انسان در جامعه، با انگیزه از خود بیگانگی و بدبینی مشخص شده بود، آغاز شد. هم‌زمان با گرایش‌های محافظه کارانه، ارتجاعی، همراه با ذهن گرای ترژیک، افراط گرایی فرمالیستی، در مدرنیسم هیچگاه نگرش انسانی به انسان، اعتراض و مخالفت با پایه‌ها و مبانی بورژوازی و به دستاوردهای قطعی و بدون قید و شرط هنری دیده نشد.

مدرنیسم (آوانگارد) با انحراف و عدول از فرهنگ واقع گرایی، با اعلام استقلال هنر از واقعیت مرتبط بود. هنرمندان مدرنیست اغلب شکل عصیان آناشینیستی استه تیک علیه سنن و قواعد معین در هنر را پذیرفتند. نمی‌توان انکار کرد به آنکه با استعداد ترین مدرنیست‌ها آثار بسیار مهم و برجسته ای بوجود آوردند که بدون آنها تصویر رشد و تکامل ادبیات کامل نمی‌بود [مانند. م. پروست، «در جستجوی زمان از دست رفته» و یکی از نمایندگان شعر مدرنیسم ت.س. الیوت] شعر». پس از جنگ دوم جهانی مدرنیسم به دلیل خستگی شکل هنری آن و همچنین تغییر شرایط و اوضاع تکامل هنر مکتب قابل توجه و چشمگیری بوجود نیامد. در شرایط پس از جنگ دوم جهانی مدرنیسم خیلی زود بجای روش هنری، بعنوان جهان بینی موجودیت یافت و بتدریج جای خود را به آگزیستانسیالیسم داد. مسئله هستی انسان در جهان و مفهوم زندگی او سمت و سوی فلسفی و مسئله مرکزی این جریان شد. فلسفه آگزیستانسیالیسم نتیجه جنبش‌ها و تنش‌های اجتماعی و بحران هومانیمی بود که در نتیجه بحران تکامل اجتماعی روی داده بود. سالهای پس از جنگ دوم جهانی موجبات توسعه آگزیستانسیالیسم بعنوان ثمره از خود بیگانگی انسان از زندگی جنگی، ویرانی و فقر و بی پولی را فراهم آورد. باید گفت که در ادبیات معاصر اروپا منتها درجه تظاهر و تجلی آگزیستانسیالیسم بیان خود را در پست آوانگاردیسم پیدا می‌کند. مثلا، در فرانسه در سالهای دهه پنجاه میلادی اوج و رونق آبسترکسیونیسم کنونی رخ داد. در ایالات متحده آمریکا در سالهای دهه پنجاه میلادی روش و دیدگاه پاپ آرت - به اصطلاح هنر عامه فهمی که تا دوران کنونی از محبوبیت نیفتاده، مسلط و حتی به اصطلاح مک‌آرت یا هنرمکانیکی (نمایش اشیاء فلزی) نیز ظاهر می‌شود. در کل میتوان گفت که

است. از آنجا که دامنه زبان کلامی تقریباً نامحدود است، امکان پوشش و احاطه هنری پدیده زندگی در ادبیات بویژه وسیع و گسترده است. ادبیات آزادانه عمل و اثر را در ابعاد مختلف مکانی - زمانی انتقال می‌دهد، دارای امکان گسترش و استقرار در یک اثر با چندین خطوط سوژه‌ای است و قادر است باز آزادانه توصیف، روایت (داستان- حکایت) و گفتگو را تلفیق کند. با توجه به کلمه و واژه است که در ادبیات دریافت هنری آن امکان گنجاندن شیوه بیان، که با یقین مفهومی متفاوت است و در عین حال با ترسیم پدیده‌ها و رویدادهای مشخص زندگی در آمیخته است، وجود دارد. ادبیات در کالبد شکافی اجتماعی خود نازیهای زندگی، روند بیگانگی رشد یابنده انسان‌ها در جامعه، رابطه پرتضاد بین انسان و محیط، ناهنجاری‌های گوناگون اجتماعی و پدیده‌های روانی اجتماعی را در یک کل جدایی ناپذیر در رابطه با انسان بمثابة انسانی تاریخی نشان می‌دهد. ادبیات می‌خواهد رویدادهای ترسناک زندگی بشر و چهره غیرانسانی جامعه و جهان معاصر را برملا سازد. مطالعه واقعی از اعماق زندگی یکی از دستاوردهای قابل توجه ادبیات است. از این رو واکنش و هدف این هنر آفرینش بافتی نوین برای تحول در روابط اجتماعی نابرابر در یک فرایند است. فرایندی چالش برانگیز و برخاسته از ارزش‌های انسان‌گرایانه و عدالت خواهانه‌ای که در مبارزات انسان‌ها و بشریت مترقی هر روزه با جان و روان توده‌های مردم تجربه می‌شود. ادبیات در قیاس با دیگر هنرها با واژه مرتبط است. زبان ادبیات فقط زبان کلامی معمولی نیست. زبان ادبیات با اشکال مختلف تمثیل، استعاره، کنایه و تقویت تصاویر کلامی تفاوت دارد. اما دستیابی به زبان ادبیات مشکلاتی مانند مطالعه خاص شیوه‌های بیانی دیگر هنرها را ایجاد نمی‌کند. در این رابطه در ادبیات دشواری‌های دیگری نیز وجود دارد: زبان آن ملی است و مستلزم ترجمه برای درخواست دیگر ملت‌ها است. زبان ادبی شکل پرداخت شده زبان همه خلق است که به میزان کم و بیش برخوردار از نرم‌ها و قواعد خاص کتبی است. زبان مظهر همه فرهنگ است که در قالب کلامی بیان می‌شود. زبان کلامی در ادبیات نه تنها ظرافت و کمال خود را کسب بلکه همه امکانات داخلی خود را کشف می‌کند. واژه

واقعی، با رخنه به ژرفای ماهیت پدیده‌ی زندگی و انسان و محیط هستی اجتماعی آن گوهر واقعی هستی را مجسم می‌کند. در تحلیل نهایی همه تلاش آن شناخت واقعی از نیروی درونی و خلاق توده‌ها و نقش تاریخی آنها در جریان پرتلاطم زندگی و گرایش‌های نوین تاریخی با چشم اندازه‌های آن واعتماد به آینده است. این خود گذاری بغرنج بسوی کیفی نوین با طرازی تماما نوین، با شکل و مضمونی نوین برای ادبیات است. ادبیات این روند دگرگونی را در مقیاسی بزرگ و در چشم اندازی واقعا تاریخی با تمامی اجزای آن با ترسیم پی‌ریزی زندگی نوین و برافکندن شالوده‌های کهن آن به پیش می‌برد و نشان می‌دهد که زندگی در حال حرکت است. نقش برجسته و پیشرو این هنر بین سایر هنرها و تاثیر آن بر آنها در آن است که بسیاری هنرها خود بر پایه و بنیان ادبیات قرار دارند. بنابراین تکامل این هنرها وابسته به تکامل ادبیات است. نفوذ ادبیات بر سایر هنرها در آن است که ادبیات توسط دیگر هنرها- موضوعات و سوژه‌ها را «راهنمایی می‌کند». محتوای آثار ادبی اغلب توسط دیگر هنرها «بازگویی می‌شود»؛ آثار موسیقی، رقص و باله، نقاشی و تئاتر بواسطه منابع ادبی، بر سوژه‌های آنها ساخته می‌شوند. چنانکه در آثار چایکوفسکی جوانب تغزلی- دراماتیک اشعار و نثر پوشکین آشکار و از پرده بیرون می‌افتد. تفسیر حاد اجتماعی ارواح مردگان گوگول بنیان گذار رئالیسم انتقادی در اپرایی به همین نام توسط آهنگساز، پیاننیست و هنرمند مردمی رادیون شچدرین [در دوران شوروی] و یا آثار شولوخف در اپرایی ایوان دزرژینسکی بنام «سُن آرام» و «زمین نوآباد» بازتاب خود را می‌یابد. احساس سازنده در موسیقی بتهوون نیز انقلاب کبیرفرانسه بود. در آثار بتهوون تنها چیره مندی او بر شکل نیست، بلکه محتوای پر عظمتی است از یک دوره انقلابی. موسیقی بتهوون نه تنها واکنشی است به زمانه خود بلکه بیان هنرورانه و بازفرآورد جهانی است که در آن اندوه و شادی دارای انگیزه است. جای بویژه مهم ادبیات در تکامل هنری مشروط به ابزار، شیوه بیان، [درگفتار و نوشتار، هماهنگی آن با دقت و ایجاز] و واژه هست، که در این عرصه همه ساختارهای آگاهی و تجربه انسان بهم پیوند می‌خورند. واژه متحرک ترین و انعطاف پذیرترین سیستم بیان معانی

انسان سرچشمه می‌گیرد. اینها قانونمندی زبان موسیقایی است. از این رو شعر بطور عمده در غزلیات بکار گرفته می‌شود، هرچند در شعرها آثار حماسی و هم دراماتیک نیز بوجود می‌آیند. همچنین ویژگی‌های عام و ژانری (ژانریک) آثار ادبی اهمیت هنری- مجازی و استعاره آمیز را در ادبیات دارند. می‌توان گفت که شعر بیان صدای اندیشه در قالب واژه است و دارای فرم درونی و شکل مناسب خود بوده و تصویر هنری را با زبان شاعرانه و خلاق بیان می‌کند. در شعرا دراک شاعرانه از واقعیت در قالب تصویر، ایده، موضوع و به همراه سبک، آهنگ و زبان شعر و ریتم موجود در آن است. شعر که خود در رشد و تکامل درونی خود در دوران‌های گذار روند پیچیده‌ای از گرایش‌ها و جریان‌های گوناگون را پشت سر گذاشته بود، فرآورد واژگان هنرمند و خلاقیت شکلی از ادبیات به عنوان هنر است که دارای وحدت تنیده درونی بین فرم و محتوا است. در شعر واژه یعنی زندگی است. آثار تغزلی و شعر ما را به جهان احساسات، خلق و خوی و اندیشه‌های شاعر در شرایط مختلف زندگی وارد می‌کند. در ترسیمی دیگر باید گفت که شعر و ادبیات نماد روش هنری برای نشان دادن صدای اجتماعی جامعه است. در شعر نیز بتدریج پروسه نوسازی بیشتر زبان شعری مشاهده و روانشناختی و روحیه اجتماعی آن عمیق‌تر میشود [درکشور ما در سطح ملی آثار شاعرانی مانند شاملو، کسرابی، سایه و... در ادبیات جهان، اشعار شاعران شناخته شده‌ای مانند ل. آراگون، پ. نرودا، پ. الوارر، فروست و ک. سندبرگ را می‌توان نام برد].

یکی از ویژگی‌های بزرگ ادبیات پیشرو، انتقاد کوبنده برشالوده اخلاقیات جامعه نابرابر، ناعادلانه و ستیز با حاملان آن در شکلی حماسی است. ادبیات به خود آگاهی توده‌ها بمثابه نیروی مستقل و اصلی که زاینده مبارزات اجتماعی است، مضمونی نوین می‌دهد تا توده‌ها تاریخ را با دستان خود بسازند. ویژگی دیگر آن این است که این پدیده بر روان شناختی شخصیت انسان‌ها، تنوع اندیشه‌ها و پیچیدگی احساس‌ها برای شناخت انسان‌ها همچون دادگری اجتماعی علیه بیدادگری اجتماعی بر ژانرهای گوناگون مانند، شعر، رمان، رمان حماسی، خاطرات هنری، داستان کوتاه، مقاله و

توسط نویسنده بمثابه ابزار و شیوه بیان، بعنوان ابزار اندیشه و فکر و همچون عنصر عاطفی بکار گرفته می‌شود. ماکسیم گورکی می‌نویسد که نویسنده نه تنها با قلم می‌نویسد بلکه با واژه‌ها نیز تصویر می‌کند. با برخورداری از روش‌ها و ابزارهای معین مانند، قیاس و تطبیق، توصیف و تشبیه، شکل بیان از جز به کل، طنز، استعاره، تمثیل (بیان انتزاعی، محتوای تفکر انتزاعی)، مبالغه، مترادف‌ها، نقل قول‌ها و غیره، ادبیات تفاوت‌های بسیار ظریف جهان معنوی انسان را بازگو می‌کند، تصویری از طبیعت بدست می‌دهد و از سرنوشت مردم و ملت‌ها روایت می‌کند. ادبیات از این راه به جهان بیکران درون انسان، به پنهانی‌ترین و تاریک‌ترین گوشه‌های هستی معنوی انسانها و جریان عینی زندگی رخنه می‌کند تا تمامی تنوع روحيات اجتماعی در محیط زندگی اجتماعی بمثابه عنصر اجتماعی را بیان کند. بویژه چنین نوع اشکال بیانی که اهمیت واژه‌های مجازی، تمثیلی، استعاری (تشبیهی) را مشروط می‌کنند، حس چند معنایی قوه بیان و زبان هنری را افزایش می‌دهند. امکانات و ویژگی‌های بیانی ادبیات نامحدود است. علاوه بر این همانا این امکانات و ویژگی‌ها به ادبیات امکان و مجال آنرا می‌دهند که بر پدیده‌ای از زندگی که همواره در دسترس دیگر هنرها نیست احاطه کند. دررمان‌ها مثلاً دررمان م. شولوخف بنام «دُن آرام» صحنه تشیع جنازه آکسینا با توصیف این چشم انداز به پایان می‌رسد: «گویی که از خوابی سنگین بیدار شده است، سر را بالا می‌برد و بر فراز خود آسمان سیاه و تیره ای را می‌بیند که قرص سیاه خورشید در آن بگونه ای حیرت انگیز درخشان است»، در فیلم «دُن آرام» س. گراسیموف این چشم انداز وجود ندارد. نظم، حوزه بیانی ویژه ادبیات را تشکیل می‌دهد. در اشعار زبان گفتاری ساختار ریتمیک و موزونی را بدست می‌آورد که با مکث، وقفه و تکیه صدا در پایان هر سطر و با بکار گرفتن قافیه‌ها [تکرار صداها در پایان سطرها] و تناسب سطرهای منظوم به تعداد و تنظیم تکیه صدا حاصل می‌شود. شعر بلحاظ سیستماتیک استه تیک خلاقیت هنر کلامی است. در شعر در مقایسه با نثر آهنگ زبان، گفتار و ترکیب صدایی و یا صوتی واژه‌ها اهمیت بیشتری را بدست می‌آورد. ریشه قواعد و نظم شعر از ویژگی‌های احساسی روح زبان

حماسه- تغزلی را بوجود می آورند. این امر در برخی اشعار و ترانه‌ها وجود دارند. تغزل قرن‌ها یکی از ابزار مؤثر آشکار کردن جهان بینی نویسنده و تجسم او بمثابة انسان دوران نوین بود. درام نوع ویژه ادبیات است که برای بازگویی آن بر روی صحنه تئاتر در نظر گرفته شده است. درام کلاسیک سخنان راوی (چنانچه متن و نوشته نویسنده بحساب نیاید) را در برنارد. کاراکترها در آن بعنوان قاعده تنها از طریق بیان مستقیم [دیالوگ و مونولوگ (گفتگو و تک سخن گوئی)] نشان داده می‌شود. در کشور ما برای نمونه می‌توان به داستان «کجا میری ننه امرو» اثر احمد محمود که در آن روش «مونولوگ نمایش» بکار برده شده است، اشاره کرد. در درام افشاء و آشکار کردن مؤثر و کارای کاراکتر و شخصیت و برخورد عریان سوژه اهمیت ویژه ای را بدست می‌آورند. ژانر اصلی دراماتیک، تراژدی، کمدی و درام در مفهوم محدود کلمه هستند (آنرا گاهی اوقات درام زندگی یا نمایشنامه می‌نامند). تمامی تراژدی‌ها، درام‌ها و طنزها در ادبیات از واقعیت اجتماعی زندگی سرچشمه می‌گیرند. درباره تراژدی باید گفت که منبع آن در جامعه چیزی جز تضادهای آشتی ناپذیر طبقاتی در یک جامعه طبقاتی نیست. این تضادها قاطع ترین جنبه‌ی تراژدی را تشکیل می‌دهند. حل این تضادها سقوط تراژیک تراژدی را فراهم می‌آورد. تراژدی در ادبیات خود ضربه‌ای است تراژیک بر پیکر جامعه و بازتابی از تضاد و ستیزه‌های تراژیک حاکم بر زندگی و جامعه و رهایی از چنگال آن است. مانند خرافات و جهل حاکم بر جامعه و فجایع زندگی که تراژدی‌های بسیاری را بر جامعه تحمیل می‌کند و موجب زندگی و سرنوشت تراژیک انسان است. تراژدی جهان امروز، تراژدی رنج، گرسنگی، جنگ، بی‌عدالتی و نابرابری صدها میلیون انسان است. اما قهرمانان تراژدی در سرنوشت تراژیک خود به‌مراه عواطف شرافتمندانه خود و پیروزی سرانجام آن در دوران ضرورت‌ها همواره برای زندگی و نیروی آن رزم و پیکار می‌کنند. پدیده کمدی در ادبیات و جایگاه آن در هنر از نیروی برنده‌ای برخوردار است که با تراژدی برابری می‌کند. در کمدی و طنز حتی با لحن غم‌انگیز خود به لحاظ اجتماعی همچون صاعقه‌ای هولناک و ترس آور است. دشمن را به سخره می‌گیرد و انگ بدنامی به آن می‌زند

حماسه تکیه می‌کند تا چشم اندازی گسترده جهت دستیابی به بهار راستین انسانی و انسان گرایی بدست دهد. در این راه ادبیات حتی به ماهیت اجتماعی استبداد می‌پردازد و به روند ناگزیر پیشرفت بسوی دگرگونی‌ها و توفان‌های اجتماعی و ضرورت آن ورود می‌کند. در این فرایندهای اجتماعی- تاریخی ادبیات با دگرگونی‌های بزرگ زندگی اجتماعی خود به غنا و تکوین خود یاری می‌رساند. عرصه وسیع ادبیات به حماسه (داستان)، لیریک (غزل) و درام تقسیم بندی می‌شود. در حماسه (داستان) واقعیت بگونه‌ای گسترده و فراگیر بازتاب می‌یابد. شخصیت‌های انسانی در محیط وسیع زندگی در آن شرایطی که آنها را احاطه و به عمل وادار می‌کنند، حضور می‌یابند. آثار حماسی معمولا سوژه دار هستند. در آنها درباره سرنوشت کامل انسانی یا درباره مراحل معین مسیرهای زندگی قهرمانان روایت می‌شوند. در حماسه (داستان) روی توصیف و ترسیم عینی واقعیات تکیه می‌شود. از این رو شرح و روایت‌ها در آن نقش اساسی و عمده را بازی می‌کنند. ادبیات حماسی در ژانرهای گوناگون آشکار می‌شود، که در میان آنها رمان - بزرگترین فرم حماسی - جای ویژه و بزرگی را اشغال می‌کند. در غزل (شعر) کاراکتر و شخصیت انسانی از راه تاتر وحس و از طریق احساس زندگی نمود پیدا می‌کند. ادبیات بمثابة هنر، نه در خدمت هنر برای هنر است و از آن گریزان است و نه در خدمت اندیشه‌های وهم آلود. ادبیات پیشرو حقیقت تاریخی را با بازآفرینی خود از آزادی انسان از هرگونه رنجی که بنیان حماسی آنرا می‌سازد می‌بیند و ثمره آن چیزی جز حماسه نوین در پیکار با نیروی کهنه و زوال یابنده که مسبب نابودی و سقوط انسان است، نیست. غزلیات (اشعار) در مقایسه با حماسه بیشتر ذهنی است. به آن معنا که در آن به بیان حالات درونی انسان تکیه می‌شود. اغلب در آثار تغزلی نویسنده بطور کلی هیچ پدیده عینی را ترسیم نمی‌کند. جهان عینی است، اما صحبت تنها درباره تاترات، احساسات شخصی و اندیشه‌های خود است. در نتیجه اینکه این اندیشه‌ها و احساس‌ها و به‌مراه آن تصاویر تغزلی برای مردم کشور و دوران‌های خود تپیک و خاص هستند و اهمیت ملی را کسب می‌کنند. در بسیاری آثار شعری ویژگی‌ها و خطوط شعر حماسی و غزلیات اغلب آمیخته می‌شوند و اثر ژانر

کوچ نشینان و مردمی که توسط شرایط زندگی خرد شده‌اند، در دوره زمانی و مکانی معین بر اساس رویدادهای واقعی ترسیم کند. رمان‌های واقع‌گرایانه‌ی احمد محمود که با نگرش اجتماعی و سیاسی وی و با تکنیکی بی‌نظیر در بافت هنری، زبانی ویژه و روانشناسی اجتماعی خلق شد، متأثر از رویدادهای سیاسی و اجتماعی معین در دوران خیزش‌های معین اجتماعی است و همواره رویکرد این رمان‌ها بهمراه آرمان خواهی اجتماعی نویسنده نه تنها به طبقات محروم جامعه بود بلکه جانمایی آنها پیکار علیه فقر و خیزش در راه برقراری عدالت در جامعه و هم نشانگر بحران نارضایتی از زندگی، امید به اصلاح و تغییر آن و هم تنش ارادی توده‌های مردم در فضای آشکار ظلم و ستم اجتماعی است. این نویسندگان و هم‌ردیفان آنان چالشی را برچالش‌های هنر اجتماعی دموکراتیک افزودند. نه هر گونه تفسیر و تعبیر از زندگی را از ماهیت مقوله حقیقت و از جوهرجهان عینی و واقعی جدا کردند و نه تن به برده داری اخلاقی در برابر سرمایه دادند. واقع‌گرایی انتقادی در ادبیات در کل بازگویی حقیقت کنکرت- تاریخی زندگی را در شکل نفی هر نوع اوضاع اجتماعی که انسان را سرکوب می‌کند در نظر دارد. و نه تنها بطور خلاق پایداری عینی- تاریخی فرد انسانی را برای محیط اجتماعی خاص بکار می‌برد بلکه آن تلاش ذهنی- تاریخی بهترین نمایندگان جامعه به منظور رهایی و آزادی اجتماعی انسان است. رئالیسم بسیار واقع‌بینانه هرگونه نقابی را از چهره‌ها برمی‌گیرد. دوران نوین و شرایط نوین زندگی موجب پیدایش و گسترش وسیع دیگر اشکال نوین هنری در رئالیسم انتقادی شدند. بسیاری هنروران بطور گسترده مونولوگ درونی که در یک اثر ادبی رگه‌ها و لایه‌های زمانی مختلف را توأم و جریان (سیال) ذهن را بکار می‌گیرند، پذیرفتند. این اشکال از نو برای ترسیم کاراکتر انسان، کشف و شناسایی جلوه‌های متنوع هنری ویژه و بکر به نویسندگان کمک کردند. به یک معنا رمان ژانر چند سبکی و یا ژانر چند ژانری است، زیرا آن می‌تواند عناصر فرم‌های گوناگون ادبی، ویژگی‌ها و خصایص دیگر ژانرها را در بر گیرد و مرزهای آنها را گسترش دهد.

و جوانب کمیک آنرا با خصلتی انتقادی مشخص می‌سازد. در کمیک روح پوچ، بی‌محتوا و ابتدال پدیده تظاهر می‌کند که با شکل خود ناسازگار است.

کمیک ناسازگاری شکل و محتوا را در همه عرصه‌ها به نمایش می‌گذارد. ماهیت اجتماعی کمیک در تظاهر نیروهای اجتماعی کهنه بهمراه نظام اجتماعی کهنه در ایماژهای هنری بروز پیدامی‌کند. کمیک اشکال مختلفی مانند طنز و هجو به خود می‌گیرد. این اشکال به‌رحال با ایماژهای هنری به تائید حقیقت و طرد غیر حقیقت یاری می‌رسانند. حماسه، لیریک، درام - انواع خلاقیت‌هایی هستند که در طول تاریخ همه ادبیات را بوجود آورده‌اند. با این وجود گونه‌های ادبیات در مجموع ژانرهای معینی را بخود گرفته‌اند که در آن ژانرها بلحاظ تاریخی تغییر پذیری ظاهر می‌شوند. این ژانرها در جریان تکامل ویژگی‌های خود را تغییر می‌دهند. برخی از آنها از بین می‌روند، برخی بوجود می‌آیند، هم ویژگی‌های نوین و هم نشانه‌های اصلی ژانرهای گوناگون در ادبیات مستقر می‌شوند.

دوران‌های مختلف ژانر غالب‌های ادبی مختلف را در بردارند. در دوران باستان ژانرهای دراماتیک بویژه تراژدی؛ در دوران انقلاب بورژوازی فرانسه - درام و کمدی، نثر فلسفی و غیره بطور کامل گسترش پیدا کرد. در دوران ما تصادفی نیست که بحث‌های شدید و داغ پیرامون فرم‌های ادبی در مقیاس وسیع، بویژه رمان شعله‌ور می‌شوند. در رمان بعنوان قابلیت‌ها و امکانات ادبیات معاصر، توانایی نفوذ عمیق آن در سرنوشت ملت‌ها و بشریت متمرکز شده است. رمان شکل برجسته و کلان ژانر حماسی ادبیات است. در مقایسه با شعر حماسی، رمان جای اساسی را به تصویر انسان در رابطه با عوامل و فاکتورهای زندگی پیچیده اجتماعی، تاریخی، روانشناختی و غیره می‌دهد و بر آنها تمرکز دارد و در فرم پر مضمون و اساسی خود حافظه‌ای از اسطوره و آیین‌ها را در خود نگه می‌دارد (مانند شهر افسانه‌ای ماکوندو در رمان صد سال تنهایی گابریل گارسیا مارکز). یا مانند رمان برجسته و فراموش‌نشده «کلیدر» اثر محمود دولت‌آبادی که قدرت و صلابت این اثر در آنجا است که با ادراکی شاعرانه و نیروی تخیل بی‌مانند توانسته حماسه زندگی تراژدیک دهقان ایرانی،

فرایند تاریخی وادی. - پروسه ادبیات معاصر در روسیه
سوشلینا، ای.ک. دانشگاه دولتی مسکو.
- رئالیسم انتقادی بمثابة روش هنری از کتاب استه تیک
مارکسیستی - لنینیستی. زیر نظر پروفیسور
اوسیانیکف، مسکو.

منابع مورد استفاده:
- فرهنگ مختصر استه تیک. زیر نظر پروفیسور اوسیانیکف.
- تاریخ ادبیات خارجی سده بیست. تهیه شده توسط گروه زبان
و ادبیات خارجی مسکو. - و.ا. خالیزیف، فرایند ادبی و مقاله

در پی اعتراضات شدید کارگران روحانی وعده داد لایحه اصلاحیه قانون کار را از مجلس پس بگیرد



بنا بر نسخه‌های صوتی منتشر شده از این سخنرانی، گروهی از کارگران حاضر در محل در اعتراض به عملکرد دولت روحانی در زمینه حقوق کارگری شعارهایی در اعتراض به وضعیت کارگران در دولت روحانی سر دادند.

خبرگزاری کار ایران، ایلنا، نیز در گزارشی، کارگران معترض در این سخنرانی را «اخلالگر» توصیف کرده است. از جمله شعارهایی که در این مراسم شنیده می‌شد این شعار بود که «عزا عزا است امروز، روز عزا است امروز، زندگی کارگر رو به فناست امروز».

رئیس جمهوری ایران در ادامه سخنرانی خود افزود: «از وزیر رفاه، کار و تعاون پرسیم لایحه‌ای که در دولت قبل برای مسئله کارگری به مجلس داده شده آیا همه رضایت کارگران را دارد یا خیر، و او گفت رضایت ندارند. گفتم مقدمات پس

حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت در سخنرانی خود در مراسم روز جهانی کارگر وعده داد که لایحه اصلاحیه قانون کار را از مجلس شورای اسلامی پس بگیرد.

تشکل‌های رسمی کارگران در ایران می‌گویند که این لایحه در صورت تصویب، امنیت شغلی را از کارگران سلب می‌کند و این تشکل‌ها از مدت‌ها پیش نام‌نگاری‌های فراوانی در این خصوص با دولت روحانی داشته‌اند اما تاکنون در این زمینه به نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، حسن روحانی که روز دوشنبه در آرامگاه روح‌الله خمینی سخن می‌گفت، اظهار داشت: «امروز باید بگوییم به فکر آینده بهتر کارگران باشیم»

دولت حسن روحانی گفته است که «با اصلاح قانون کار، امنیت شغلی کارگران حفظ می‌شود و منافع و حقوق کارگر و کارفرما برآورده خواهد شد.»

یک روز پیش از سخنرانی حسن روحانی به مناسبت روز کارگر، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز در آستانه روز کارگر سخنرانی کرده و گفت که «با وجود تلاش‌های دشمنان، کارگران همیشه جانب نظام را گرفتند و از آن حمایت کردند.»

او بر «تأمین امنیت شغلی» کارگران تأکید کرده و گفت که «جامعه کارگری همواره در کنار و همراه نظام بوده و پس از این نیز به فضل الهی همین‌گونه خواهد بود.»

در همان روز سخنرانی علی خامنه‌ای خبر رسید که سه تشکل کارگری در ایران با انتشار بیانیه مشترکی به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، خواستار افزایش حداقل دستمزد ماهانه از ۹۳۰ هزار تومان به ۴ میلیون تومان در سال جاری شدند و بر لزوم پرداخت حقوق معوقه کارگران و لغو قراردادهای سفیدامضا تأکید کردند.

حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور، به تازگی خبر داد که «اعتراض‌های اجتماعی، کارگری و صنفی در ایران طی سه سال اخیر افزایشی ۶۹ درصدی داشته است.»

گرفتن لایحه را فراهم کنند و اعلام می‌کنم لایحه را از مجلس پس خواهیم گرفت.»

«لایحه اصلاح قانون کار» در سال ۹۱ از سوی دولت محمود احمدی‌نژاد به مجلس ارائه شده بود اما در مجلس نهم بررسی نشد. این لایحه بعداً با تأییدیه دولت یازدهم در تیر ماه سال ۹۵ به مجلس تحویل داده شد و مجدداً در دستور کار کمیسیون تخصصی مجلس قرار گرفت.

بازگشت لایحه اصلاحیه قانون کار از مجلس شورای اسلامی به دولت مدت‌هاست به مهمترین چالش کارگری و کارفرمایی ایران تبدیل شده و تجمع اعتراضی کارگران در مقابل مجلس را نیز به دنبال داشته است.

به نوشته سایت اتحاد، متعلق به اتحادیه آزاد کارگران ایران، با تغییر قانون کار، کارفرمایان، از جمله دولت، قادر خواهند شد به بهانه شرایط اقتصادی کشور، سطح دستمزدها را منجمد کنند و یا حتی کاهش دهند. در عین حال، اخراج‌های دسته جمعی صورت قانونی پیدا خواهد کرد و دولت و کارفرمایان بدون دردسر قادر به اخراج کارگران خواهند شد.

همچنین دولت و کارفرمایان بر اساس این تغییرات، ملزم به انعقاد قرارداد کتبی با کارگران نخواهند بود.

محمد مهدی حیدریان، معاون اجتماعی و فرهنگی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اما در واکنش به اعتراض‌ها و انتقادهای گسترده تشکل‌های کارگری به لایحه تغییر قانون کار

کمک مالی به فرقه دمکرات آذربایجان

کاپیتال بانک : شماره حساب

AZ80AIB33080019443302338103

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 129-ci nömrə. May 2017
Qəzet təhriyə heyəti tərəfinfən nəşr olunur.
www.adfmk.com

قزنت تحریریه هئیتی طرفیندن نشر اولونور
قزنتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر
[E- mail info @ adfmk.com](mailto:info@adfmk.com)